

## در هفت تپه ما یک شورا داریم که پنج هزار نفری است!

دور جدیدی از مبارزات درخشان هفت تپه از سه شنبه ششم مهر ماه آغاز شده است. آنها ابتدا در محوطه شرکت تجمع کرده و از روز یکشنبه یازدهم مهرماه تجمع خود را در مقابل فرمانداری شهر شوش برگزار کرده و هر روزه به راه پیمائی در شهر ادامه داده اند. یکبار دیگر مردم شهر شاهد راه پیمائی کارگرانی هستند که دستکم در پنج سال گذشته بر مطالبات خود پافشاری کرده و کوتاه نیامده اند. آنان در جریان این مبارزات تجارب گرانقدری را کسب کرده اند. آنان در میدان عمل واقعی درسهایی را که در دوران به اصطلاح آرام باید طی سالها می آموختند، در فرصت بسیار اندکی فرا گرفتند. کارگران هفت تپه وارد جنگی نابرابر شدند، جنگی که در یکطرف آنان یک باند اختلاسگر با پشتیبانی بیدریغ دولت روحانی، با پشتیبانی بیدریغ قوه قضائیه و با نیروهای سرکوبگر قرار گرفته بودند و در طرف دیگر کارگرانی که عزم کرده بودند با پایداری واستقامت توازن قوا را در این نبرد نابرابر به نفع خویش تغییر دهند. رهبرانشان به بند کشیده شدند، "طراحی سوخته" برایشان ساختند، مدافعینشان را به بند کشیدند و وکیل شجاعشان را محکوم کردند. اوباشان را به در خانه فعالین کارگری فرستادند، سعی کردند از محبوبیت هفت تپه سوء استفاده کرده و در میان مردم برای رئیس جمهور قاتلشان اعتبار کسب کنند. آب را برویشان بستند تا امکان کشت از بین رفته ومدعی شوند که اعتصاب کارگران سبب از بین رفتن هفت تپه شده است و فرصت بیابند که مجددا بخش خصوصی و اسد بیگی ها را به هفت تپه برگردانند. زمانی هم که بوق رسوائی اسد بیگی ها به صدا درآمد و حکم خلع یدش را صادر کردند، این حکم در دالانهای پر پیچ وتاب رقابت باندهای حکومتی گرفتار آمد. کارگران اما هوشیار تر از آن بودند که در دام این نوع ترفندها گرفتار آیند. در تمام این مدت کارگران شجاعانه بر فراز سنگرشان ایستادند و از زبان نمایندگان



## گزارش پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

### اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

به مناسبت ۱۰ اکتبر

### روز جهانی مبارزه برای لغو مجازات اعدام

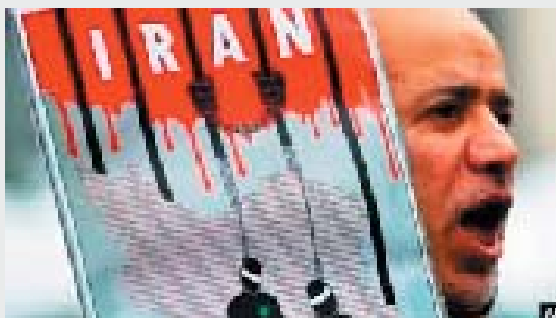


### مروری بر مبارزات درخشان کارگران نیشکر هفت تپه

### اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

### به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

"پس این چه نوع جامعه ای هست که جز جلاد هیچ ابزار دیگری برای دفاع از خود نمی شناسد؟" مارکس - ۱۷ فوریه ۱۸۵۳ در "نیویورک دیلی تریبون"



### نه به اعدام!

## جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

\* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.

\* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.

\* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.

\* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

\* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

وفارغ از تفاوت‌هایی که می‌توانند اینجا و آنجا داشته باشند که بسیار هم طبیعی است، بازو در بازو هم و در کنار هم متحدانه بایستند.

واقعیت این است که کارگران هفت تپه در جریان مبارزاتشان به درستی آموختند که چه نوع تشکلی را باید سازمان دهند که با توازن قوای موجود بین جنبش کارگری و رژیم سرکوبگر که تحمل هیچگونه تشکل توده ای را ندارد، امکان ادامه کاری پیدا کند. روی آوری آنان به برگزاری مجامع عمومی و مجمع نمایندگان شاید یکی از مهمترین دستاوردهای آنان نه تنها برای هفت تپه و مبارزاتش بلکه برای کل جنبش کارگری بود. بی جهت نیست که گفتمان اداره شورائی به گفتمانی معتبر در مبارزات بخشهای دیگر طبقه کارگر و جامعه از جمله در میان کارگران نفت و گاز و پتروشیمی، بازنشستگان و دانشجویان تبدیل شده است.

بی جهت نیست که ابراهیم عباسی یکی از رهبران کارگران هفت تپه در هفتمین روز دور جدید اعتصابات در بخشی از سخنان خود میگوید: "در هفت تپه ما یک شورا داریم که پنج هزار نفری است و ما با خرد جمعی تصمیم میگیریم. تشکل ما مجمع نمایندگان است که اگر کم و کسری هم داشته اما موفق بوده. ما در شورای اسلامی را گل گرفتیم، چون خائن است. سندیکا قبلاً بوده، اما ما مجمع نمایندگان را انتخاب کردیم و بهتر جواب داده. تشکل پایدار ما مجمع نمایندگان و شورای مستقل ماست. ما در هفت تپه اثبات کردیم که مجمع نمایندگان برتر از سندیکا و شورای اسلامی است. افرادی در فضای مجازی با اهداف خاص علیه ما صحبت میکنند که از روی غرض و مرض است، از روی حسادت است و نه برای نقد."

واقعیت این است که مجمع نمایندگان و شورای برآمده از آن یک نقش مرکزی در سوخت و ساز جنبش کارگری پیدا کرده است. ما این امر را در نقشی که "شورای سازماندهی اعتراضات" در جریان اعتصابات کارگران پیمانی در نفت و گاز و پتروشیمی بازی میکند، دیدیم. این رهبری جمعی، این نوع سازماندهی هزینه جنبش کارگری را در جریان مبارزاتش بسیار پائین آورده و در عین حال همواره فعالین جدیدی را به میدان هدایت مبارزات کشانده است. حتی زمانی که فعالین و رهبران این اعتراضات دستگیر و به بند کشیده میشوند، بلافاصله فعالین دیگری جای آنها را پر میکنند. همین امر تداوم و پیوستگی مبارزه را تثبیت میکند. بدون تردید میتوان گفت که رویکرد تشکیل مجامع عمومی و شورا مناسبترین شکل برای این دوره از مبارزات بخشهای مختلف جنبش کارگری است. ■

شجاعشان بر مطالبات خود پافشاری کردند. آنان بارها و بارها بر فراز سنگر اعلام کردند که هیچ اعتمادی به وعده و وعیدهای مسئولان ندارند و همکاران خود را به هوشیاری و آمادگی جهت آغاز مجدد اعتصاب پس از سپری شدن مهلت تعیین شده فرا خواندند. کارگران با برپائی تجمع در مقابل دفتر مدیریت و یا محوطه کارخانه اعلام کردند که اجازه نخواهند داد عوامل کارفرما و باندهای رژیم فرصت را برای تفرقه اندازی بخرند. آنان با صبر و حوصله به آن بخش از همکارانشان که تصور این را داشتند که میتوان با دخیل بستن به باندهای رژیم به مطالباتشان دست یابند، با صبر و حوصله توضیح دادند که چرا همه باندهای رژیم فارغ از تمام ادعاها و عوامفریبی هایشان در تضاد کامل با منافع کارگران قرار دارند. این بلوغ سیاسی، این کار هوشیارانه، این کردار رفیقانه، نقش بسیار مهمی در حفظ انسجام و وحدت کارگران ایفا کرد.



اکنون با توجه به بلاتکلیفی شرکت با وجود حکم خلع ید و فسخ قرارداد بخش خصوصی و حمایت مقامات دولتی شهر شوش از مدیر سابق این شرکت و بی اعتنائی به خواسته های کارگران و کوشش جهت به شکست کشاندن اعتصاب، بار دیگر کارگران هفت تپه به سنگر باز گشته اند. آنان این بار مطالبات خود را با توجه به شرایط تغییر یافته از جانب نمایندگان شان و کانال مستقل کارگری اعلام کرده اند. "تعیین تکلیف فوری مدیریت شرکت و شفاف سازی نحوه و قیمت واگذاری شرکت به دولت؛ پرداخت فوری حقوق های عقب افتاده و سایر مطالبات عرفی و قانونی؛ سرعت بخشیدن به عملیات کشت و ترمیم کارخانه؛ بازگشت به کار کارگران اخراجی؛ تمدید قرارداد کارگران فصلی؛ اعلام و اجرای حکم صادر شده علیه اسد بیگی و رستمی در پرونده اختلاس؛ مختومه شدن پرونده خانم زیلابی" از جمله مطالبان کارگران هستند. کارگران هفت تپه بهتر از همه میدانند که تحمیل این مطالبات تنها با ادامه نبرد و تجمعات قدرتمند در شرکت و راه پیمائیه در خیابان های شوش میتواند متحقق شوند. مهم این است که کارگران هفت تپه دوش به دوش هم

تماس با  
کمیته تشکیلات دلال کشور  
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۹۶۴۷۷۰۰۶۰۳۶۵۳

۰۰۴۳۶۶۰۱۱۹۵۹۰۷

۰۰۴۶۷۳۷۱۵۴۴۱۸

۰۰۴۶۷۳۶۸۷۳۰۱۴

تماس با کمیته تشکیلات  
دلال کومه له (تکس)

takesh.komalah@gmail.com



## گزارش پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران منتخب کنگره دوازدهم در روز شنبه ۲۷ شهریور برابر با ۱۸ ماه سپتامبر با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به نشانه گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. این پلنوم با حضور اکثریت قاطع اعضای کمیته مرکزی حزب برگزار گردید. بخش اول مباحث این نشست به گزارش سیاسی کمیته اجرایی و بحث پیرامون آن و سپس گزارش تشکیلاتی کمیته ها و ارگانهای مختلف تشکیلاتی حزب به پلنوم و بررسی این گزارش ها اختصاص یافت. تحلیل مهمترین روندهای جاری در جهان، منطقه و ایران محورهای اصلی گزارش سیاسی کمیته اجرائی حزب به نشست کمیته مرکزی بودند.

### تشدید رقابت امپریالیستی

در مورد مهمترین روندهای جاری در جهان، به تشدید رقابت امپریالیسم آمریکا و فاز جدید جنگ سرد علیه امپریالیسم چین به عنوان پاسخ ناگزیر ایالات متحده به قدرت گیری روز افزون چین اشاره شد. همانطور که ایالات متحده برای تضمین هژمونی جهانی خود در دهه های چهل و پنجاه قرن گذشته جنگ سرد را علیه اتحاد جماهیر شوروی و چین اعلام کرد، امروز نیز در راستای تأمین هژمونی بر دیگر قدرت های سرمایه داری و کسب موقعیت برتر جنگ سرد جدید با چین را پیش می برد. اگر دولت ترامپ در حمایت از صنایع داخلی جنگ تعرفه ها و تجاری با چین را به اوج رساند، دولت بایدن در پیوستگی با سیاست های ترامپ، رقابت با چین را به طور سیستماتیک پیش می برد. اگر استراتژی ترامپ در برابر چین نامنظم و غیر قابل پیش بینی بود، اما بایدن در میدان رقابت با چین دارای یک سیاست خصم نسبتا منسجم است.

چین تحت رهبری "حزب کمونیست" برای پایان دادن به تسلط نیروی دریایی ایالات متحده بر منطقه هند و اقیانوس آرام که از پایان جنگ جهانی دوم ثابت مانده است، تلاش می کند. چین همچنین در برنامه دارد که تا سال ۲۰۲۵ به چیزی بیشتر از یک اقتصاد سرمایه داری صنعتی که بستری است برای ارائه نیروی

کار ارزان قیمت برای شرکت های چند ملیتی غربی تبدیل شود، می خواهد به یک اقتصاد قدرتمند تر با تکنولوژی پیشرفته در همه زمینه ها تبدیل گردد. این ترکیب از اهداف ژئوپلیتیک و پیشرفت تکنولوژیکی اقتصاد چین برای ایالات متحده بسیار تهدید آمیز است. این فقط به این دلیل نیست که سلطه ایالات متحده بر اقیانوس آرام در خطر است، بلکه چین مزیت بزرگ اقتصادی ایالات متحده یعنی قدرت شرکت های بزرگ فناوری اطلاعات مانند اپل، مایکروسافت، فیس بوک و تفلیکس را نیز به چالش کشیده است.

در مقابل، دولت آمریکا نیز در توافق با دولت های ژاپن، هند و استرالیا پیمان نظامی و استراتژیک "کوآد" را دوباره فعال کرده است. پیمان استراتژیک که بسیاری از تحلیل گران از آن به عنوان ناتوی آسیا یاد می کنند. در واقع نفوذ فزاینده اقتصادی، نظامی و گسترش رد پای چین در منطقه هند- پاسفیک نگرانی آمریکا و گروه "کوآد" را تشدید کرده است. دولت بایدن در سه ماهه اول ریاست جمهوری خود هیچ فرصتی را برای افزایش فشارهای نظامی آمریکا بر چین از دست نداد. از ژانویه تا آوریل سال جاری، تحرکات نظامی آمریکا در مرزهای چین به شدت افزایش یافت و یک ناو جنگی را برای تقویت نیروهای خود در دریای چین جنوبی اعزام کرد. از آن پس تجاوز کشتی های آمریکایی به آب های چین ۲۰ درصد افزایش، و ورود هواپیماهای نظامی آمریکا به فضای هوایی چین ۴۰ درصد افزایش یافته است. طی این مدت آلمان و بریتانیا هر کدام یک ناو جنگی را به سمت دریای چین جنوبی و بسوی هند و اقیانوس آرام اعزام کردند. واشنگتن از اعزام این ناوهای جنگی به عنوان "حمایت آلمان و انگلیس از "نظم بین المللی مبتنی بر قوانین در هند و اقیانوس آرام" یاد کرد و از آن استقبال نمود. در تحولی دیگر آمریکا بریتانیا، و استرالیا در تلاش برای مقابله با قدرت فزاینده چین از امضای تاریخی یک پیمان ویژه به نام "آکوس" جهت به اشتراک گذاشتن فناوری های پیشرفته دفاعی خبر دادند. بر اساس این پیمان استرالیا امکان می یابد با استفاده از اطلاعات سری نظامی آمریکا زیردریایی هایی با نیروی محرکه هسته ای بسازد. در نتیجه این توافق،

استرالیا قرارداد ۹۰ میلیارد دلاری با فرانسه برای ساخت ۱۲ زیردریایی را کنار گذاشت. پیمانی که فرانسه آن را خنجری از پشت و چین آن را ناشی از "ذهنیت جنگ" سردی خواند. این تلاش های آمریکا نشان دهنده استراتژی کنونی آن برای وادار کردن چین به پیروی از نظم سیاسی-اقتصادی مورد نظرش است که می خواهد با انعقاد قراردادهای استراتژیک با دیگر قدرتهای بزرگ سرمایه داری تحت رهبری ایالات متحده آن را تحمیل نماید. هدف استراتژیک جنگ سرد جدید علیه چین از دیدگاه ایالات متحده و متحدانش یافتن راه هایی برای محدود کردن پیشرفت های تکنولوژیکی و ناکام گذاشتن اهداف ژئوپلیتیک آن است. هدف اصلی کسب پیروزی در قرن ۲۱ در میدان رقابت علیه چین است. از اصلی ترین حربه های آمریکا برای دستیابی به این هدف، انعقاد پیمان های استراتژیک نظامی با دیگر قدرت های امپریالیستی و تحمیل پیامد معاهده های نابرابر مبتنی بر قواعدی است که توسط ائتلافی از قدرتهای بزرگ وضع شده اند و ایالات متحده در رأس آن قرار دارد. یکی دیگر از ابزارهای آمریکا برای مقابله با چین مداخله در امور داخلی آن با حربه دفاع از حقوق بشر و تشدید شکاف و کشمکش های ملی و مذهبی است که در حال حاضر در چین وجود دارد. در واقع ترکیبی از مجموعه ای از اهرمهای نظامی، سیاسی، اقتصادی، مالی، تکنولوژیکی، سایبری و سنتی و آشکار و پنهان ابزار پیشبرد سیاست جنگ سرد آمریکا علیه چین هستند.

این تحولات نشان می دهد در عصر جهانی شده سرمایه قدرتهای سرمایه داری هیچ فرصتی را برای تشدید رقابت جهت گسترش مناطق نفوذ به قیمت به تباهی کشاندن زندگی اکثریت ساکنین کره زمین از دست نمی دهند. جنگ های بی پایان، اختصاص بودجه های سرسام آور نظامی که در نتیجه آن کمپانی های انحصاری برای تولید ابزارهای هوشمند و پیچیده مرگ و نابودی سود زیادی می برند، تشدید سیاست مهاجر ستیزی و تقویت نژاد پرستی، تشدید تبعیض جنسیتی، نابودی فاجعه بار محیط زیست و همه گیری مرگبار ویروس ها همه از نمادهای





حیات سیستم سرمایه داری هستند. فقط مبارزه سازمانیافته طبقه کارگر و گسترش جنبش های ضد سرمایه داری، در موقعیت تعرضی قرار گرفتن سوسیالیسم است که قادر است این نظام وارونه را در همه عرصه ها به چالش بکشد و امید و اراده به سرنوینی سرمایه داری و رهایی بشریت را به یک نیروی مادی قدرتمند تبدیل کند.

## افغانستان

در بخش دیگری از گزارش سیاسی با نگاهی اجمالی به اوضاع افغانستان و هزیمت نیروهای آمریکا از این کشور، بر این واقعیت تأکید شد که سرعت فروپاشی آن ساختار سیاسی و اداری که آمریکا، بریتانیا و آلمان در طول دو دهه در افغانستان سر هم بندی کرده بودند، ابعاد شکست آمریکا و کلا غرب را برجسته تر نشان می دهد و بار دیگر این باور را تقویت می کند که دوران ایالات متحده به عنوان تنها ابر قدرت مدتهاست به پایان رسیده است. موقعیت کنونی آمریکا تا حدودی شبیه موقعیت بریتانیا در مقابل قدرت اقتصادی رو به رشد آلمان و ایالات متحده در آغاز قرن بیستم است. به افول قدرت اقتصادی آمریکا باید شکست در "جنگ علیه تروریسم" در عراق و افغانستان را هم اضافه کرد. حمله به افغانستان و عراق تلاشی بود برای استفاده از قدرت نظامی برای تأمین سلطه بلامنازع بر منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه با منابع سرشار انرژی که با شکست مواجه شد. شکست و هزیمت آمریکا از افغانستان همانند شکست اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۸۰، دارای پیامدهای جهانی بسیار فراتر از کشوری است که جنگ و اشغالگری در آن انجام گرفته است. وخامت اوضاع در افغانستان و دیگر کشورهایی که آمریکا در آنها مداخله نظامی داشته نشان دهنده مرحله جدیدی از حیات امپریالیسم است که در آن هرگونه تظاهر به توسعه یا بازسازی به طور کامل کنار گذاشته شده است. افغانستان، عراق، سوریه، لیبی و یمن نمادهایی از چگونگی جهت گیری مداخلات معاصر آمریکا و دولت های غربی در جهت ایجاد مناطق تحت کنترل امپریالیسم به منظور دستیابی به اهداف کوتاه مدت هستند، که غیر از کشتار و ویرانی چیزی از خود بجای نگذاشته اند.

تجربه مداخله نظامی آمریکا در افغانستان بار دیگر این واقعیت را نشان داد که دخالت های نظامی و سیاسی آمریکا در هیچ نقطه ای از جهان، نه تنها امنیت و ثبات و دموکراسی، با خود به

همراه نیاورد، نه تنها به نابودی تروریسم منجر نشد، بلکه تضادها و رویارویی های محلی و منطقه ای را تشدید کرد و زمینه های عینی رشد جریانهای تروریست را تقویت نمود. چه کسی می تواند منکر نقش دولت پاکستان و سرویس اطلاعاتی آن در آموزش و هدایت طالبان و تشدید کشمکش های داخلی در افغانستان باشد. اشغالگری آمریکا در افغانستان و شکل گرفتن جنبش مقاومت ارتجاعی در برابر این اشغالگری به بستری برای رشد جریانهای تروریست اسلامی و مداخله گری قدرتهای ارتجاعی منطقه تبدیل شد. بر خلاف ادعای سران دولت آمریکا حمله به افغانستان به بهانه ۱۱ سپتامبر و مبارزه با تروریسم در واقع ریشه در افول قدرت اقتصادی آمریکا داشت. آمریکا که به دلیل افول قدرت اقتصادی اش نتوانسته بود رهبری خود را بر جهان بعد از جنگ سرد تأمین کند، تلاش کرد با اتکا به قدر قدرتی نظامی هژمونی خود را بر قدرت های بزرگ سرمایه داری تحمیل نماید. اما کوشش آمریکا برای تأمین هژمونی با تکیه بر قدرت نظامی ناکام ماند، هزیمت و فرار نیروهای آمریکایی از افغانستان آخرین پرده این شکست استراتژیک بود.

تجربه افغانستان این درس را برای فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی در ایران در بر دارد که هرگونه تحولی برای تأمین آزادی و رفاه، فقط می تواند محصول و نتیجه پیشروی نیروی محرکه تحول انقلابی در این جامعه باشد. تجربه افغانستان نشان داد که برخلاف تصور آن بخش از اپوزیسیون بورژوازی ایران که برای خیزدن به قدرت به دخالت قدرتهای خارجی امید بسته اند، دخالت قدرتهای خارجی نه تنها نمی تواند در راستای منافع مردم باشد، بلکه مبارزه کارگران و مردم علیه رژیم های دیکتاتوری و برای رسیدن به آزادی و رفاه را از مسیر طبیعی خود خارج می کند. بدون شک مردم ستمدیده افغانستان و در پیشاپیش آنان زنان که طی چند دهه گذشته مبارزاتشان تحت الشعاع مقاومت ارتجاعی جنبش اسلام سیاسی علیه اشغالگری قدرتهای امپریالیستی قرار گرفته، این دوره را پشت سر خواهند گذاشت. از اینرو پایان اشغالگری آمریکا در افغانستان گرچه طالبان را جانشین خود ساخت، به لحاظ تاریخی می توان یک پیشرفت به حساب آورد. زنان و مردان آزاده افغانستان که در سالهای اخیر خیابان ها و میدانی شهرهای مختلف افغانستان را به صحنه های پرشوری از مقاومت و مبارزه علیه هردو

قطب ارتجاع حاکم تبدیل کردند در همبستگی با بشریت ترقی خواه جهان، سرانجام حکومت طالبان را به زانو در خواهند آورد.

## اوضاع عمومی عراق و تهدیدات رژیم جمهوری اسلامی

در عراق دو رویداد سیاسی مهم در جریان هستند، که همه نیروهای دخیل در اوضاع عراق، چه جریان ها و احزاب بورژوا اسلامی در سطح سراسری و چه احزاب ناسیونالیست و اسلامی در کردستان و چه حکومت های ارتجاعی منطقه و قدرتهای امپریالیستی دخیل در اوضاع عراق همه خود را برای تأثیر گذاری بر این دو روند آماده می کنند. یکی از رویداد های سیاسی انتخابات پارلمانی در عراق است که قرار است در ماه اکتبر برگزار گردد. این انتخابات اولین انتخاباتی است که بعد خیزش انقلابی مردم عراق در اکتبر ۲۰۱۹ برگزار می گردد. این خیزش انقلابی که علیه فقر و فلاکت اقتصادی، فساد و دزدی های نهادینه شده در ساختار سیاسی حاکم، مداخله گری های قدرتهای ارتجاعی منطقه و آمریکا و بویژه جمهوری اسلامی بر پا شده بود، برکناری دولت و پارلمان حاکم در محور خواسته های آن قرار داشت. این خیزش توده ای از یک طرف به دلیل سرکوب خونین دولت و گروههای میلیشیای مسلح وابسته به جمهوری اسلامی و از سوی دیگر به دلیل همه گیری ویروس کرونا به مرور زمان فروکش کرد. در جریان این سرکوب خونین بیش از هزار نفر از معترضان جان خود را از دست دادند، ۳۰ هزار نفر زخمی و هزاران نفر دستگیر شدند. آتش این قیام شکوهمند اگر چه زیر خاکستر مدفون شده است، اما بر متن تشدید فقر و محرومیت ها هر از چند گاهی شعله های آن فروزان می گردد. قیام اکتبر ۲۰۱۹ عراق همانند خیزش دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ ایران توازن قوا را به نفع طبقه کارگر و توده های معترض عراق عوض کرده است و مهر خود را به اوضاع سیاسی عراق و شرایط مبارزه طبقاتی در این جامعه کوبیده است. بدون تردید پیامد و بازتاب این قیام شکوهمند در بایکوت گسترده انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۲۱ خود را نشان خواهد داد. یکی از تفاوت های این انتخابات با انتخابات های پیشین این است که اینبار جدای از احزاب چپ و کمونیست و انقلابی که به درست آن را بایکوت کرده اند، دیگر احزاب اسلامی و ناسیونالیست در بغداد فریبکارانه چنین وانمود می کنند که این انتخابات در راستای تحقق خواست محوری توده های



مردم بپاخاسته اکتبر ۲۰۱۹ است. تمام احزاب و نیروهای حاکم چنین وانمود می کنند که تنها راه دستیابی به خواسته های قیام اکتبر و جوانان معترض و هر گونه اصلاحی در وضع موجود تنها و تنها از راه مشارکت در انتخابات پارلمانی متحقق می گردد. در این میان همه حکومت های ارتجاعی منطقه و بویژه رژیم جمهوری اسلامی که در جریان قیام اکتبر کنسولگری و نمادهایش به آتش کشیده شدند برای تقویت نفوذ خود در عراق بعد از انتخابات تلاش می کنند.

اما به رغم تلاش احزاب و نیروهای حاکم در عراق و مداخله حکومت های ارتجاعی منطقه، قیام اکتبر ۲۰۱۹ و صف گسترده بایکوت کنندگان این انتخابات نشان می دهد که نیروی مادی و واقعی برای تغییر در این جامعه وجود دارد. کارگران و مردم زحمتکش، زنان ستمدیده، معلمان و همه انسانهایی که از ادامه وضعیت موجود در عراق و کردستان به تنگ آمده اند، راهی جز این ندارند که برای پایان دادن به وضعیت موجود، در صحنه سیاسی جامعه حضور داشته باشند، صفوف خود را متحد کنند، شکل و سازمان خود را بوجود آورند، رهبری خود را شکل بدهند و از طریق همین نهادها مجرای دخالت در اداره جامعه و تعیین سرنوشت خود را پیدا کنند. کارگران آگاه، کمونیست ها و نیروهای آزادیخواه با متحد کردن صفوف خود و با استراتژی سیاسی روشن است که می توانند پیشروی خود را تضمین کنند.

از سوی دیگر تحولات یک ماه و نیم اخیر و بویژه بعد از خروج آمریکا از افغانستان نشان می دهد که از دولت عراق گرفته، تا حکومت اقلیم کردستان، و کلیه نیروهای دخیل در اوضاع عراق و بیش از همه رژیم جمهوری اسلامی خودشان را برای سناریوی بعد از رفتن آمریکا از عراق آماده می کنند. آمریکا در توافق رسمی با دولت عراق قرار است تا آخر سال میلادی نیروهای نظامی خود را از عراق خارج نماید. این پروسه با خارج شدن نیروهای عملیاتی آمریکا از پایگاه عین الاسد و اربیل آغاز شده است. بنابراین حملات و تهدیدات اخیر رژیم جمهوری اسلامی علیه نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق و نظامی گری در خارج از مرزها را نه فقط به عنوان بخش جدائی ناپذیری از استراتژی گسترش سرکوب در داخل مرزهای ایران، بلکه همچنین باید بر متن اوضاع جدید تحلیل و ارزیابی کرد. جمهوری اسلامی با تجاوز به

خاک کردستان عراق و فعال کردن کیس مربوط به نیروهای اپوزیسیون می خواهد در رقابت و مقابله با دولت های عرب منطقه مانند قطر و اردن و عربستان، و مداخله گری های دولت ترکیه موقعیت خود را در عراق بعد از خروج آمریکا تقویت کند.

رژیم اسلامی در حالی که دولت ترکیه به بهانه حضور نیروهای پ کا کا بخش هایی از کردستان عراق را اشغال کرده است و جنگنده ها یش در عمق ۳۰۰ کیلومتری خاک کردستان عراق بمباران می کنند، می خواهد نشان دهد که او هم به بهانه حضور نیروهای اپوزیسیون می تواند قسمت هایی از خاک کردستان را اشغال کند. می خواهد نشان دهد که در عراق بعد از خروج آمریکا حضور نیروهای مسلح اپوزیسیون در خاک کردستان عراق را تحمل نمی کند. جمهوری اسلامی برای پیش برد این اهداف نه تنها در تلاش است که از اهرم فشار اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک دولت مرکزی عراق علیه حکومت اقلیم کردستان استفاده نماید، بلکه مستقیماً نیز به احزاب حاکم در کردستان عراق فشار خواهد آورد. رژیم جمهوری اسلامی هم مانند دولت ترکیه از یک موضع شوینستی، تجربه حکومت اقلیم کردستان را به رغم تمام ناکامی ها و بیگانگی اش با منافع مردم کردستان عراق را به زیان منافع خود می داند و تضعیف و بی اعتبار کردن بیشتر آن را هدف قرار داده است. رژیم اسلامی می خواهد نشان دهد که بعد از هزیمت مفتضحانه آمریکا در افغانستان، دولت عراق نمی تواند تحت فشار آمریکا ده ها میلیارد دلار پولهای رژیم در بانک هایش را همچنان بلوکه کند.

جمهوری اسلامی با اعمال این فشارها بر بستر این اوضاع می خواهد تسلیم طلبی را در میان بخشی از نیروهای اپوزیسیون کرد ایران رواج دهد. بی جهت نیست که همزمان با حملات و تهدیدات رژیم اسلامی، "جبهه متحد کرد" که تاریخاً مانند بازوی اصلاح طلبان حکومتی در کردستان عمل کرده اند و طیفی از فعالین وابسته به ملی مذهبی ها در شهرهای کردستان طبل مذاکره نیروهای اپوزیسیون با رژیم را می کوبند.

با این موازنه و اوضاع جدید نمی شود با مذاکره از بالا و با باج دادن به حکومت اقلیم کردستان مقابله کرد، اگر این تحولات در بالا در جریان است و حملات رژیم و تهدیدات پی در پی، آن را تکمیل می کند، فقط و فقط با فشار از پایین باید با آنها به مقابله برخاست.

در چنین شرایطی بدترین کار زدن بر طبل مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی است. که متأسفانه از فحواي کلام برخی از رهبران

احزاب ناسیونالیست چنین پیداست که با آن موافقت. در شرایطی که این رژیم زیر فشار اعتصابات و اعتراضات کارگری و توده ای در سطح سراسری قرار گرفته است و مبارزه برای سرنگونی این رژیم وارد فاز جدیدی شده است، زدن بر طبل مذاکره با رژیم جنبش حق طلبانه مردم کردستان را از متحدین خود در سطح سراسری منزوی می کند. در حالی که طی بیش از چهار دهه گذشته بارها به اثبات رسیده است که رژیم از ابزار مذاکره فقط برای ضربه زدن به رهبری احزاب اپوزیسیون، و رواج حالت انتظار در میان مردم کردستان استفاده کرده است.

اما چه باید کرد؟ از اقدامات عاجل، قبل از هر چیز باید با توجه به کارنامه جنایتبار رژیم اسلامی، تهدیدات آن را جدی گرفت. و در اردوگاهها تمهیداتی را به عمل آورد که در صورت حملات و بمباران های رژیم تلفات را به حداقل رساند.

لازم است احزاب اپوزیسیون کردستان ایران در همکاری و هماهنگی با احزاب اپوزیسیون کردستان ترکیه همبستگی و حمایت مردم کردستان عراق و نیروهای چپ و ترقی خواه از جنبش حق طلبانه مردم کردستان ایران و کردستان ترکیه را جلب کنند و تلاش کرد که نفرت و اعتراض مردم کردستان عراق علیه مداخله گری های جمهوری اسلامی و دولت ترکیه به یک حرکت مادی تبدیل گردد. به طوری که به حکومت عراق و حکومت اقلیم کردستان نشان دهیم که ما نیرویی نیستیم که بتوانند به راحتی روی سرنوشت ما معامله کنند. این اعتراضات لازم است در خارج از کشور همه ادامه یابد و هزینه سیاسی مداخله گری های نظامی جمهوری اسلامی را بالا برد. نیروهای سیاسی اپوزیسیون ایران در خارج از کشور و بویژه نیروهای چپ و کمونیست نباید نسبت به این تحولات در منطقه و مداخله گری های نظامی جمهوری اسلامی بی تفاوت باشند.

لازم است به مردم کردستان اطمینان دهیم که رژیم با این تهدیدات و حملات و تحمیل محدودیت های احتمالی بیشتر به نیروهای اپوزیسیون در کردستان نمی تواند جنبش حق طلبانه مردم کردستان را به شکست بکشد. این جنبش ریشه در واقعیات های این جامعه و ریشه در پیامد بیش از چهار دهه اعمال سیاست های شوونیستی رژیم علیه مردم کردستان دارد. تجربه خیزش آبان نشان داد که جنبش حق طلبانه مردم کردستان تا چه اندازه خود را هم سرنوشت مبارزات کارگری و توده ای و خیزش تهیدستان شهری

در سراسر ایران می‌داند. باید یک بار دیگر نشان داد که میدان ابراز وجود جریان سوسیالیستی و جنبش انقلابی کردستان تنها اردوگاه و فعالیت مسلحانه نیست، بلکه حضور کارگران و مردم زحمتکش و تشنه آزادی در صحنه سیاسی جامعه مهمترین میدان ابراز وجود این جنبش است و آنجاست که می‌توان جمهوری اسلامی را به زانو در آورد.

## اوضاع سیاسی ایران و وظایف ما

در تبیین اوضاع سیاسی ایران، سه مؤلفه اصلی اوضاع کنونی را خصلت نمائی می‌کنند که داشتن تصویری واقع بینانه از این مؤلفه‌ها و مد نظر قرار دادن آنها تا حدود زیادی وظایف و اولویت فعالیت کمونیست‌ها در این دوره را روشن می‌کنند.

یکی از این مؤلفه‌ها تشدید فقر و فلاکت اقتصادی بی سابقه و ناامنی جانی در ایران است که ابعاد آن به مرز غیر قابل تحمل رسیده و ادامه این وضعیت را غیر ممکن کرده است. فاصله دستمزدهای چهار میلیون تومانی با خط فقر و هزینه ۱۲ میلیونی تأمین سبد معیشت یک خانوار به آشکارترین نحو ابعاد این فقر و فلاکت اقتصادی را نشان می‌دهد. از طرف دیگر بنا به اعتراف وزارت کار و رفاه اجتماعی رژیم طی نه سال گذشته خط فقر بیش از ده برابر افزایش یافته است و بنا به گفته رئیس اتاق بازرگانی که آخرین گزارش بانک جهانی هم آن را تأیید می‌کند طی سه سال اخیر تولید ناخالص داخلی ایران که یکی از شاخص‌های میزان رفاه جامعه است، ۵۷ درصد کاهش داشته است. همزمان افزایش نرخ بیکاری ابعاد فاجعه باری پیدا کرده است. این بیکاری نه ناشی از نوسانات موقتی بازار کار، بلکه ریشه در بحران ساختاری سرمایه داری ایران و رکود باز تولید گسترده‌ی سرمایه دارد. به این اوضاع فلاکت‌بار اقتصادی لازم است پیامد فاجعه بار همه گیری ویروس کرونا و سیاست‌های ضد انسانی و درماندگی رژیم در مقابله با آن، وضعیت مرگبار جاده‌ها، تلفات ناشی از ناامنی محیط‌های کار و پدیده کولبری و سوختبری و گسترش آسیب‌های اجتماعی را اضافه کرد تا نشان داد که ادامه این اوضاع غیر ممکن است.

دومین مؤلفه به موقعیت رژیم جمهوری اسلامی دلالت دارد. این رژیم به عنوان مظهر قدرت طبقه سرمایه دار ایران نمی‌تواند به شکل سابق به حاکمیت خود ادامه دهد. این ناتوانی را که ریشه در ساختار سیاسی و ایدئولوژیک، حقوقی و اداری حکومت اسلامی دارد را لازم است در شکل جامع آن مد نظر قرار داد.

رژیم جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت سرمایه داری نه فقط قادر نیست که بحران اقتصادی سرمایه داری ایران را کنترل کند، بلکه خود عامل اصلی گسترش و تعمیق این بحران است. این بحران ساختاری است و خود را در ناتوانی سرمایه داری ایران در بازتولید گسترده و رکود تولید صنعتی، حجم بالای فرار سرمایه و افزایش نقدینگی، بحران تحقق ارزش در نتیجه سقوط فاجعه بار قدرت خرید کارگران و اکثریت مردم ایران، رکود سرمایه گذاری در حوزه تولیدات کشاورزی و مواد غذایی به دلیل سیاست‌های ویرانگر زیست محیطی و ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی خود را بروز داده است. از سوی دیگر سیاست‌های منطقه ای رژیم جمهوری اسلامی و مداخله گری آن در کانون‌های بحران خاورمیانه و بلند پروازی‌های اتمی آن به منظور کسب موقعیت برتر در تجدید آرایش امپریالیستی منطقه، هم به عنوان ارکان یک استراتژی "تعرض بازدارنده" و هم به عنوان راهی برای برون رفت از بن بست اقتصادی، با شکست روبرو شده و تشدید تحریم‌های اقتصادی را به دنبال داشته است. با بن بست این استراتژی، برای جمهوری اسلامی افق برون رفت از بحران اقتصادی نیز بیش از هر زمان دیگری تیره و تار شده است. پیامد این بحران اقتصادی و همچنین محرومیت‌های سیاسی و اجتماعی بستر رشد مبارزات کارگری و جنبش‌های اعتراضی در جامعه بوده است. به طوری که هیچ روزی نیست که ما شاهد اعتصاب و اعتراض کارگران و محرومان جامعه نباشیم. در شرایطی که دستگاه روحانیت و ایدئولوژیک رژیم هم در مشروعیت بخشی به این اوضاع به بن بست رسیده است، پاسخ رژیم به روند رو به گسترش این اعتراضات تنها سرکوب گسترده است. این تنگناهای رژیم و انتصاب ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس جمهور و اقدامات رژیم برای یکدست کردن قوای سه گانه و تجدید کنترل ساختار قدرت دولتی بطور نمادین نشانه این واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی نمی‌تواند به شکل سابق به حاکمیت خودش ادامه دهد. رژیم اسلامی برای بقای خود در داخل مرزها استراتژی سرکوب عریان تر و گسترده تر را در پیش گرفته و در بیرون مرزها برای جبران شکست و ناکامی هایش به نظامی گری روی آورده است.

سومین مؤلفه در تبیین اوضاع سیاسی ایران این واقعیت است که کارگران و اکثریت مردم ایران هم نمی‌خواهند مانند گذشته به زندگی خودشان ادامه دهند، نمی‌خواهند مانند گذشته غارت شوند. آغاز اعتصاب سراسری کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی درست یک

روز بعد از پایان نمایش انتخاباتی، از سرگیری اعتصاب کارگران هفت تپه و خیزش آب در خوزستان و اعتراضاتی که در حمایت از آن برپا شد این تحولات هم بطور نمادین نشانه آن است که کارگران و مردم ایران مرعوب استراتژی سرکوب عریان تر و گسترده تر رژیم نمی‌شوند. اگر در سال ۹۹ حدود دو هزار مورد اعتصاب و اعتراض کارگری روی داده است این روند در نیمه اول سال ۱۴۰۰ هم ادامه داشته است. اعتصاب کارگران نفت جدای از اهمیت سیاسی مقطع زمانی برپائی آن و جدای از سراسری بودن آن و خواسته‌های تعرضی که مطرح کرده اند، اهمیت برجسته دیگری که داشت این بود که بار دیگر گفتمان طبقاتی را در جامعه برجسته کرد، نقش طبقه کارگر در تحولات آتی را برجسته تر نشان داد، و افسانه پردازی در مورد نقش طبقه متوسط را به کناری نهاد و راه حل‌های اپوزیسیون بورژوازی برای نقل و انتقال قدرت از بالای سر کارگران و مردم زحمتکش را بی اعتبار کرد. این تحولات نشان می‌دهد که چپ و کمونیست از چه نیروی عظیمی در جامعه برخوردار است.

از آنجا که بحران اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی ریشه در بحران ساختاری سرمایه داری ایران دارد، انعقاد قرارداد ۲۵ ساله با چین، پیوستن به پیمان شانگهای و بازگشت رژیم به برجام و رفع تحریم‌ها به رغم اینکه می‌تواند در تنگناهای اقتصادی جمهوری اسلامی گشایش‌هایی ایجاد کنند، اما بهبود محسوسی در زندگی مردم ایجاد نمی‌گردد. بنابراین با توجه به زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و فضای سیاسی جامعه، اعتصابات کارگری و جنبش‌های اعتراضی و خیزش‌ها ادامه خواهند داشت و بطور اجتناب ناپذیری بخشی از واقعیت جامعه ایران را شکل می‌دهند. این مؤلفه به ما می‌گوید که ایران آبستن انقلاب، و در آستانه وارد شدن به موقعیت انقلابی قرار دارد. از آنجا که انقلاب محتمل‌ترین راه به قدرت رسیدن طبقه کارگر است، یک موقعیت انقلابی از این رو برای کمونیست‌ها اهمیت حیاتی دارد که به طبقه کارگر فرصت خیز برداشتن به طرف تسخیر قدرت سیاسی و تبدیل شدن به قدرت حاکم بر جامعه را بوجود می‌آورد. نباید در این شکی داشت که بدون فراهم آمدن مؤلفه‌های یک موقعیت انقلابی، انقلاب امری غیر ممکن است.

اما وارد شدن به یک موقعیت انقلابی به خودی خود وقوع انقلاب و پیروزی طبقه کارگر در تصرف قدرت سیاسی را تضمین نمی‌کند.

برای وقوع انقلابی که نظام جمهوری اسلامی را به شیوه انقلابی به زیر



بازنشستگان در کردستان به عنوان بخشی از جنبش معلمان در سطح سراسر ایران و مبارزه بازنشستگان برای پیگیری مطالبات مشترک در اعتصابات و اعتراضات سراسری شرکت کرده اند، اما این مشارکت می تواند بسیار فعالانه تر، گسترده تر و سازمان یافته تر باشد. فعالین کومه له و کمونیست ها در کردستان لازم است مطابق نقشه آگاهانه به استقبال ایجاد فرصت ها بشتابند. برای نمونه در کردستان با توجه به تشدید فقر و فلاکت اقتصادی و افزایش نرخ بیکاری بویژه در میان جوانان، و همچنین با توجه به اینکه هر هفته تعدادی از کولبران زحمتکش در مسیر حمل کوله بارهای خود مورد شلیک مزدوران رژیم قرار گرفته و زخمی می شوند، زمینه عینی برای به راه انداختن جنبش بیکاران علیه بیکاری و علیه جنایات رژیم در حق کولبران وجود دارد. فعالیت نقشه مند در این زمینه از همه فعالین کومه له و حزب و همه کمونیست ها مستقل از تعلق سازمانی و حزبی می طلبد که برای به راه انداختن جنبش علیه بیکاری و علیه کشتار کولبران دست به دست هم بدهند.

لازم است در برابر نقشه راه نیروها و احزاب ناسیونالیست که برای حکومت آینده در کردستان و تقسیم قدرت در بین خود و از بالای سر مردم و متکی کردن آن به یک سیستم پارلمانی تلاش می کنند، آلترناتیو اداره شورایی جامعه که بخشی از تجربه مبارزه انقلابی خود این مردم نیز بوده است را به یک گفتمان نیرومند در جامعه کردستان تبدیل کرد. لازم است ایده سازمان و حاکمیت شورایی را به میان هر خانواده، جمع و محفلی برد. در شرایطی که جامعه گام به گام به یک دوره انقلابی نزدیک می شود لازم است برای برپا کردن شوراها در هر کارخانه و مرکز تولیدی، در هر محله و روستایی بسترسازی کرد. اگر بر این باوریم که جنبش سوسیالیستی در کردستان در ابعاد اجتماعی یک جنبش سازمان یافته و متحزب است، این ظرفیت لازم است در تلاش سازمان یافته همه فعالین نیروهای چپ و کمونیست جهت به راه انداختن یک جنبش شورایی در کردستان در راستای تحقق حاکمیت مردم و اعمال اراده مستقیم آنان در اداره و مدیریت جامعه خود را نشان دهد. حول این فعالیت ها و در مبارزه برای ایجاد این فرصت ها قطب چپ و کمونیست جامعه می تواند به طور عینی شکل گرفته و سر و سامان بگیرد و به روند اوضاع سمت و سو دهد.

به راه انداختن یک جنبش شورایی یکی از رمزهای پیروزی جنبش انقلابی کردستان است. بدون به راه انداختن

انقلاب شکل می گیرد. بنابراین از زاویه شکل گیری رهبری سیاسی هم دامن زدن به اعتصابات کارگری و جنبش های اعتراضی و حضور فعالانه در آن اهمیت حیاتی و استراتژیک دارد. این رهبری می تواند از تلاقی و به هم رسیدن تلاش های مختلفی که در جریان است شکل بگیرد. هم اکنون ما شاهد حضور طیف گسترده ای از رهبران کارگری که ظرفیت های بالایی در امر رهبری از خود نشان داده اند هستیم، به هم مرتبط شدن آنها، همکاری آنها و نهادینه شدن همکاری ها می تواند نقش برجسته ای در به هم مرتبط کردن اعتصابات جاری و تأمین رهبری سراسری داشته باشد. از طرف دیگر تلاش های زیادی که جانب احزاب و نیروهای کمونیست برای عجین شدن، برای درآمیختن با این جنبش های اعتصابی و اعتراضی در جامعه در جریان است، به هم رسیدن این تلاش ها می تواند نقش مؤثری در پر کردن خلا رهبری سیاسی داشته باشد.

در شرایط کنونی بستر سازی برای تدارک اعتصابات سیاسی توده ای که طبقه کارگر در محور آن قرار داشته باشد که می تواند محصول پیوند جنبش های اعتراضی در خیابان و اعتصابات کارگری در کارخانه باشد، از اهمیت حیاتی برخوردار است. با پیشروی در این مسیر است که ما می توانیم نیروی سرکوب جمهوری اسلامی را زمینگیر کنیم. اینها همه از ملزومات شکل گیری آلترناتیو سوسیالیستی و سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی هستند که با دخالت نیروهای کمونیست در روند اعتصابات و اعتراضات و مبارزات جاری تأمین می شوند. از همین رو است که دامن زدن به اعتصابات کارگری، دامن زدن به اعتراضات جاری، اهمیت دادن به پیروزی و موفقیت هر تک اعتراض کارگری اهمیت پیدا می کند. بالا بردن هزینه های سیاسی سرکوب برای جمهوری اسلامی اهمیت پیدا می کند. باید معنای روشنی از سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب را به درک عمومی تبدیل کنیم. وظیفه اصلی ما نیروهای کمونیست قاعدتا باید کمک به این روند ها باشد و همکاری های ما در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست لازم است در همین راستا گسترش یابد.

## اولویت های ما در کردستان

در مباحث پلنوم در مورد کردستان تأکید شد که نباید گذاشت جنبش حق طلبانه و انقلابی مردم کردستان از روند رو به رشد جنبش های اعتراضی در سطح سراسری عقب بماند. اگر چه طی سالهای اخیر معلمان و تا حدودی

بکشد، طبقه کارگر به قدرت سیاسی برسد و تحول در بنیادهای مناسبات سرمایه داری را در دستور کار خود قرار دهد، علاوه بر آن تغییرات و زمینه های عینی و اجتماعی که به آنها اشاره شد و از اراده احزاب و نیروهای سیاسی خارج است، باید طبقه کارگر یعنی موتور اصلی انقلاب به قدر کافی سازمان یافته و نیرومند باشد تا بتواند رسالت تاریخی خود را به انجام برساند. این کافی نیست که طبقه حاکم نتواند به شکل سابق به حاکمیت خویش ادامه دهد، فقر و بدبختی طبقات فرودست به حد غیرقابل تحملی رسیده باشد و کارگران به میدان عمل تاریخی مستقل علیه وضع موجود کشانده شوند، بلکه علاوه بر این پیش شرط ها، طبقه کارگر لازم است توانائی انجام رسالت تاریخی را هم در خود بوجود آورد. طبقه کارگر بدون سازمانیابی در تشکل های طبقاتی و توده ای از نوع شوراها و حزب سیاسی کمونیستی خود و ایجاد تشکل هایی از نوع کمیته کارخانه و کمیته اعتصاب که اعتصابات و مبارزات جاری کارگران را هدایت و رهبری کند، نمی تواند ظرفیت های خود را برای ایجاد این تحولات انقلابی به کار گیرد. در این دوره یاری رساندن به شکل گیری شوراها کارگری در کارخانه و محیط های کار و شوراها محلات که هم به عنوان ارگان مبارزه و هم در موقع لازم به عنوان ارگان مدعی قدرت سیاسی و مدیریت جامعه ظاهر شوند از اهمیت حیاتی برخوردار است.

در این دوره لازم است با حضور فعال در مبارزات جاری و جنبش مطالباتی کارگران تلاش کرد که بین خواسته های روزمره کارگران و استراتژی سوسیالیستی انقلاب پلی برقرار کرد. لازم است به کارگران نشان داد که برای رسیدن به همین خواسته ها و دستیابی به یک زندگی مرفه و انسانی بطور اجتناب ناپذیری باید از رژیم سیاسی و مناسبات طبقاتی حاکم عبور کرد و فتح قدرت سیاسی در جامعه و خلع ید از سرمایه داران را در دستور گذاشت. چون پیش شرط های اقتصادی و اجتماعی انقلاب به مرحله ای از تکامل رسیده که بحثی بر سر رفرم های سیستماتیک و بهبود سطح زندگی توده ها تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نمی تواند در میان باشد.

در این مرحله از مبارزه شکل گیری یک رهبری سیاسی سراسری که کارگران و توده های مردم به آن اعتماد کنند بسیار مهم است. بدون شکل گیری این رهبری پیشروی و پیروزی انقلاب ممکن نیست. اما رهبری سیاسی مبارزات توده ای و انقلابات در روند این اعتصابات کارگری و جنبش های اعتراضی و روند تکامل مبارزه و

## قرار پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در رابطه با عدم مشروعیت سیاسی و اساسنامه ای "کنفرانس تشکیلات خارج کشور"

همانطور که قبلاً در بیانیه کمیته اجرائی حزب کمونیست ایران به اطلاع عموم رسانده شد، کمیته کنونی تشکیلات خارج کشور بدون هماهنگی با کمیته مرکزی حزب در یک اقدام انحلال طلبانه و انشعابگرانه با برگزاری "انتخاباتی" که نیمی از اعضای واجد شرایط در تشکیلات خارج از کشور حزب در آن مشارکت نکردند، تصمیم گرفته است باصطلاح کنفرانس تشکیلات خارج از کشور را در روزهای ۲۵ و ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۱ برگزار نماید.

از آنجا که: در آیین نامه و پروسه "انتخابات نمایندگان" این حقیقت ساده که چند سال است تشکیلات به دو جناح سیاسی متمایز تقسیم شده است عمداً نادیده گرفته شد. بجای اینکه جناح بندی درون تشکیلات به رسمیت شناخته شود و حوزه بندی انتخاباتی بر اساس آن جناح بندی که بطور عینی در تشکیلات شکل گرفته اند سازمان یابد تا هر دو جناح به نسبت وزنی که دارند نماینده به کنفرانس بفرستند، آیین نامه و حوزه بندی های انتخاباتی طوری مهندسی شد که با اعتراض و عدم شرکت نیمی از اعضای واجد شرایط شرکت در انتخابات مواجه شد؛

از آنجا که: در پروسه "انتخابات نمایندگان" رفقای مشارکت داده شده اند که بعد از قرار کمیته اجرائی حزب در مورد توقف عضو گیری از جانب کمیته کنونی تشکیلات خارج بطور جناحی به عضویت پذیرفته شده اند و از اعتبار اساسنامه ای برای شرکت در پروسه انتخابات نمایندگان و شرکت در کنفرانس برخوردار نیستند؛

از آنجا که: مطابق "سند ارتقای فعالیت اعضای تشکیلات خارج از کشور" مصوب کمیته مرکزی حزب رفقای که سالهاست از فعالیت های حزبی عملاً فاصله گرفته اند و در هیچ عرصه ای از سوخت و ساز حزبی مشارکت نکرده و حداقل انتظارات حزب از یک عضو حزب را تأمین و برآورده نکرده اند نمی بایست در پروسه انتخابات نمایندگان

و در کنفرانس شرکت نمایند، اما این

و مجموعه رفقای جناح چپ را که به عنوان تهیه کننده و یا مجری برنامه های تلویزیونی و یا در بخش فنی این رسانه فعالیت می کردند را از فعالیت در این ارگان حذف کردند؛ از آنجا که تمام تلاش های ما و ارائه راه حل های عملی برای اداره مشترک تلویزیون حزب و کومه له و پایان دادن به سیاست حذف بی نتیجه ماند؛ از آنجا که کمیته مرکزی کنونی کومه له در یک اقدام خلاف روال معمول، کمیته جناحی تلویزیون حزب و کومه له را در پلنوم کومه له برگماردند؛ از آنجا که کمیته تلویزیون جناح راست در نامه به نیروهایی که در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست حضور دارند، اعلام کرده بودند که در آخر ماه سپتامبر سال جاری به همکاری با آنها در زمینه داشتن یک کانال مشترک تلویزیونی پایان می دهند، لذا پلنوم کمیته مرکزی حزب اقدام کمیته اجرائی حزب مبنی بر ادامه همکاری با شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در زمینه اجاره یک کانال تلویزیونی مشترک تحت عنوان آلترناتیو شورایی و بخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له از این کانال ستالایت را مورد تأیید قرار داد.

در این پلنوم، از آنجا که به رغم هشدارهای رهبری حزب و کمیته ها و مسئولین تشکیلاتی کشورهای حزب کمونیست در خارج از کشور و مخالفت نیمی از اعضای واجد شرایط با برگزاری این کنفرانس، جناح راست در ادامه رفتارهای انحلال طلبانه و انشعابگرانه خود کنفرانس جناحی خود را تحت عنوان کنفرانس تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران برگزار نموده است، قرار می دهد در مورد عدم مشروعیت سیاسی و اساسنامه ای این کنفرانس جناحی به تصویب رسید. این قرار ضمیمه گزارش است.

**پلنوم در بخش پایانی کار خود و در مبحث تقسیم کار، ضمن ترمیم برخی از ارگانها، بمنظور هدایت فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی حزب در فاصله دو پلنوم، از میان رفقای کمیته مرکزی حزب که در لیست کاندیداها قرار گرفته بودند کمیته اجرائی مرکب از هفت تن رفقا: هلمت احمدیان، خسرو بوکانی، رئوف پرستار، نصرت تیمورزاده، حسن شمسی، محمود قهرمانی و صلاح مازوجی را انتخاب نمود.**

### کمیته اجرائی حزب کمونیست ایران

مهر ۱۴۰۰ سپتامبر ۲۰۲۱

جنبش شورایی نیرومند، این نگرانی وجود دارد که توده های مردم کردستان در تغییر و تحولات آینده یک بار دیگر به حاشیه رانده شوند و بعد از بیش از چهل سال مبارزه امکان این را پیدا نکنند که به شیوه ای مستقیم در حاکمیت و اداره و مدیریت جامعه نقش ایفا کنند. با پرداختن به این اولویت ها و حضور در تمام عرصه های مبارزه آزادیخواهانه و دمکراتیک است که می توان هژمونی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در مبارزه آزادی خواهانه همگانی و مبارزه برای رفع ستمگری ملی را تأمین کرد. از آنجایی که بار اصلی ستم ملی بر شانه های مردم کارگر و زحمتکش و توده های فرودست که اکثریت ساکنان این جامعه را تشکیل می دهند، سنگینی می کند؛ مبارزه برای رفع این ستم بیش از پیش به مبارزه طبقاتی کارگران و مردم زحمتکش کردستان گره خورده است. پس بایستی برای تأمین هژمونی این طبقه و جنبش سوسیالیستی آن در مبارزه برای رفع ستم ملی تلاش نمود.

در کردستان یکی دیگر از اولویت های فعالیت کومه له به عنوان یک تشکیلات کمونیستی هر چه بیشتر بعد تشکیلاتی دادن به نفوذ سیاسی و معنوی خود در میان کارگران و زحمتکشان است. لازم است با کار پر حوصله در میان کارگران و بر متن حضور در عرصه های مختلف مبارزه کارگران و مردم زحمتکش، شبکه های تشکیلاتی و حزبی کومه له به تناسب نفوذ و اعتبار اجتماعی آن گسترش پیدا کند. لازم است همه ظرفیت های خود را برای به میدان آوردن و سازمان دادن این نیروی اجتماعی بکار بیاندازیم بطوریکه در هر توازن قوایی بتوانیم وحدت و یکپارچگی این نیروی اجتماعی را حفظ کنیم.

\*\*\*

در بخش گزارش تشکیلاتی، گزارش فعالیت های کمیته تشکیلات داخل، جمع هماهنگ کننده فعالیت های تشکیلات خارج از کشور حزب، شبکه تلویزیون حزب و کومه له، دفتر روابط بین المللی و نشریه جهان امروز، شبکه های اجتماعی، سایت حزب و پروژه همکاری نیروهای چپ و کمونیست به نشست کمیته مرکزی ارائه داده شدند و این گزارش ها مورد نقد و بررسی قرار گرفتند. نشست کمیته مرکزی در مبحث مربوط به فعالیت تلویزیون حزب و کومه له، از آنجا که جناح راست مطابق یک نقشه از قبل طرح ریزی شده کلیه امکانات رسانه تلویزیون را به تصرف خود در آورده



## اطلاعیه شورای تلویزیون کومه‌له و حزب کمونیست ایران در پاسخ به اطلاعیه موسوم به کمیته تلویزیون کومه‌له

که کار چه کسی جعلی است. در این رابطه لازم است روشن و علنا اعلام کنیم که

۱- ما فعالین و دست اندرکاران این کانال تلویزیونی در راستای مصوبات کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، خود را مدافع سیاست، برنامه، استراتژی و مصوبات رسمی و تاریخی حزب کمونیست ایران و کومه‌له می دانیم و فعالیت رسانه ای و تبلیغی و همه وجوه فعالیت خود را تحت همین نام ادامه خواهیم داد و به هیچ احدی اجازه نخواهیم داد که این حق مسلم ما را پایمال کند. ما خود جزو سازندگان تاریخ پرافتخار حزب کمونیست ایران و کومه‌له هستیم و بیشتر از هر کسی خود را مجاز و محق به فعالیت تحت همین نام می دانیم.

۲- اقدامات مخرب و انحلال طلبانه و انشعابگرانه کمیته رهبری کنونی کومه‌له برای جلوگیری از فعالیت اعضا و کادرهای انقلابی و کمونیست جناح چپ تشکیلات برای ما جای تعجب نیست. ما سالهاست با این روشهای ناسالم در مبارزه سیاسی و حزبی آشنا هستیم. مطمئناً اقدامات ضد دمکراتیک انحلال طلبان برای جلوگیری از فعالیت رسانه ای و زیرپانهادن حق مسلم آزادی بیان اعضای حزب کمونیست ایران و کومه‌له تنها تلاشی بدون ثمر خواهد شد.

۳ - راه اندازی کانال ماهواره ای "آلترناتیو شورایی" به عنوان کانال مشترک جریانات چپ و کمونیست و همکاری و پخش برنامه های ما در چهارچوب این کانال تلویزیونی اقدامی درست و به جا در راستای استراتژی حزب کمونیست ایران برای ایجاد و تقویت قطب چپ و سوسیالیستی است که جناح مقابل سالهاست مانع پیشبرد این سیاست بوده است و در همین راستا به همکاری رسانه ای با سازمانهای چپ و کمونیست خاتمه داده است.

### شورای تلویزیون

### کومه‌له و حزب کمونیست ایران

سپتامبر ۲۰۲۱

کمیته رهبری کنونی کومه‌له طی اطلاعیه‌ای با امضای کمیته منتسب جناحی تلویزیون خود، اقدام ما برای پخش برنامه‌های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه‌له بر روی ماهواره را اقدامی جعلی خوانده و نوشته است برای جلوگیری از ادامه فعالیت ما تحت این نام "اقدامات لازم" را انجام خواهد داد.

ما دست اندرکاران این کانال خود از بنیانگذاران تلویزیون کومه‌له و حزب کمونیست ایران بوده و در تمام دوران فعالیت این کانال در هدایت و رهبری آن و در تدوین و تهیه برنامه های تلویزیون دخالتگر بوده ایم. اقدام ما برای پخش برنامه های تلویزیون از طریق شبکه های اجتماعی از روزی آغاز شد که کمیته جناحی تلویزیون با حمایت کمیته رهبری کنونی کومه‌له و شخص رفیق ابراهیم عزیزاده در مقام دبیر اول کومه‌له از آنجا که کل امکانات تلویزیون را قبضه نموده بود، طی حکمی ضد دمکراتیک در تاریخ ۲۷ مارس ۲۰۲۱ اقدام به حذف و سانسور تهیه کننده گان برنامه های تلویزیون کومه‌له و حزب کمونیست ایران نمود.

کمیته رهبری کنونی کومه‌له آزمون پخش این برنامه ها در شبکه های اجتماعی Peshraw Cpiran را "موازی کاری" نام گذاشت و اکنون که ما اقدام به انتقال تلویزیون بر روی ماهواره کرده ایم آنرا "جعلی" نام نهاده، این در حالی است که بینندگان تلویزیون کومه‌له و حزب با چهره ها و محتوای برنامه هائی که توسط ما تهیه و پخش گردیده آشنا هستند و خود قضاوت خواهند کرد

جهت اطلاع عموم پیرامون:  
پخش ۲۴ ساعته تلویزیون های آلترناتیو شورایی

Satellite: Yahsat  
Frequency: 12594  
Polarization: Vertical  
Symbol Rate: 27500  
FEC: 2/3

Komala/CPI

رفقا نیز مشارکت داده شده اند و مشارکت دادن آنها برخلاف روال کنفرانس قبلی، مغایر سند مصوب رسمی کمیته مرکزی و نقض آشکار اساسنامه حزبی است؛

از آنجا که: نیمی از اعضای واجد شرایط با آیین نامه انتخاباتی کمیته کنونی تشکیلات خارج و برگزاری این کنفرانس مخالف بوده و کمیته ها و مسئولین تشکیلاتهای کشوری حزب کمونیست در خارج از کشور طی اطلاعیه ای علنی در اوایل سپتامبر ۲۰۲۱ اقدام به برگزاری چنین کنفرانس را مغایر با اصول و پرنسیپهای حزب کمونیست دانسته و با صراحت اعلام کردند که « بخشی از سیاستهای انشعاب طلبانه این جناح نخواهند بود و در چنین کنفرانسی شرکت نخواهند کرد، زیرا اراده نیمی از اعضای تشکیلات در آن دخیل نیست»؛

از آنجا که: پاسخ غیر مسؤولانه و سراپا کذب کمیته خارج کنونی به اطلاعیه کمیته ها و مسئولین تشکیلات های کشوری حزب کمونیست در خارج از کشور هیچ تغییری در این واقعیت ها نمی دهد و حقانیت عدم شرکت نیمی از اعضای واجد شرایط در چنین کنفرانسی را بخوبی نشان می دهد؛

لذا: پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران ضمن محکوم کردن این اقدام انحلال طلبانه و انشعابگرانه کمیته خارج کشور کنونی، چنین کنفرانس و کمیته ای که در آن تعیین میشود را فاقد مشروعیت سیاسی و اساسنامه ای می داند و آنرا به رسمیت نمی شناسد. پلنوم کمیته اجرایی منتخب خود را موظف می نماید تا در صورت برگزاری چنین "کنفرانسی"، ترتیبات لازم برای رهبری و هدایت تشکیلات خارج کشور را به عمل آورد.

### پلنوم یازدهم

### کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

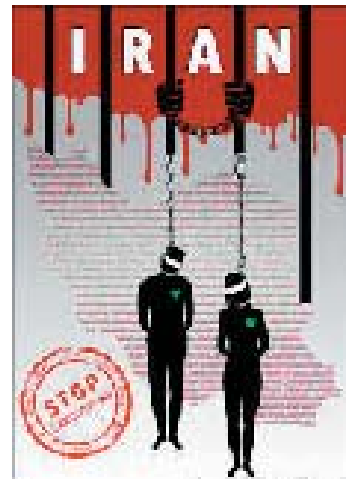
۲۷ شهریور ۱۴۰۰

۱۸ سپتامبر ۲۰۲۱

## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

## به مناسبت ۱۰ اکتبر روز جهانی مبارزه برای لغو مجازات اعدام

(۲۰۲۱)



گری نظامی و سازمان دادن گروه های تروریست اسلامی در کشورهای منطقه متوجه امنیت مردم ایران و منطقه کرده است به هیچ وجه با میزان خشونت ها و جنایات فردی قابل مقایسه نیست. ابعاد اشاعه مواد مخدر از کانال های مافیایی تحت کنترل سپاه پاسداران و دستگاه های امنیتی جمهوری اسلامی به هیچ وجه با حجم فعالیت های قاچاقچیان منفرد قابل مقایسه نیست. میزان سلب امنیت از زندگی مردم توسط رژیم از طریق دخالت های مداوم در حوزه زندگی خصوصی مردم به وسیله بیسیجی ها و گشت های "امر به معروف و نهی از منکر" و لباس شخصی ها با میزان ارتکاب جرائم فردی که با انگیزه های شخصی صورت می گیرند، هیچ تناسبی با هم ندارند.

به رغم ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی، مجازات اعدام اقدامی آگاهانه و سازمانیافته است که برای قتل و نابودی مخالفین سیاسی، ناراضیان اجتماعی و قربانیان همین نظام ظالمانه سرمایه داری که با قوانین شرع اسلام از آن پاسداری می کند و برای مرعوب کردن جامعه به اجرا در می آید. مجازات اعدام، شکنجه و سرکوب سیستماتیک یکی از پایه های رژیم جمهوری اسلامی برای به تسلیم کشاندن طبقات و اقشار تحت ستم جامعه بوده است. اعمال مجازات اعدام به مثابه قتل عمد دولتی با هر توجهی که صورت بگیرد یک ذره از ماهیت ضد انسانی و جنایتکارانه آن نمی کاهشد.

کارگران، مردم مبارز ایران!

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با انتصاب رئیسی جلاد به عنوان رئیس جمهور و در پیش گرفتن استراتژی سرکوب گسترده آشکارا اهداف سیاسی و طبقاتی مشخصی از تداوم موج سرکوب و اعدام ها تعقیب می کند، و در شرایطی که هم اکنون هزاران نفر در زندان های جمهوری اسلامی در انتظار اجرای حکم اعدام بسر می برند اهمیت مبارزه علیه مجازات اعدام صد چندان ضروری شده است. امسال مناسبت ۱۰ اکتبر روز جهانی مبارزه علیه مجازات اعدام در حالی فرا می رسد که محاکمه حمید نوری یکی از مجریان اوامر ابراهیم رئیسی جلاد عضو "هیئت مرگ" در دهه شصت در یکی از دادگاه های استکهلم - سوئد جریان دارد. این محاکمه تاریخی برگی از پرونده اعدام ها و جنایات حکومت اسلامی را در سطح بین المللی رسانه ای کرده است. ۱۰ اکتبر می تواند فرصتی دیگر برای گسترش آگاهی از ابعاد اعدام ها و جنایات رژیم جمهوری اسلامی و مقطعی دیگر در جهت دامن زدن به مبارزه برای لغو مجازات اعدام و به محاکمه کشاندن عاملان اعدام در ایران و سراسر جهان باشد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

مهر ۱۴۰۰

اکتبر ۲۰۲۱



در حالی که در نتیجه پیشروی جنبش مبارزه علیه مجازات اعدام شمار دولت هایی که مجازات اعدام را لغو و یا اجرای آن را به تعلیق در آورده اند رو به افزایش است، در ایران ابراهیم رئیسی که به عنوان عضو "هیئت مرگ" در دهه شصت نقش مستقیمی در شکنجه و اعدام هزاران زندانی سیاسی داشته به کرسی ریاست رژیم اسلامی تکیه زده است. تحت حاکمیت این رژیم فقط در ماه های تیر، مرداد و شهریور سال جاری ۷۳ نفر اعدام شده اند. در میان اعدام شدگان کودکانی وجود دارند که در سن ۱۵ سالگی جرم را مرتکب شده اند. احکام اعدام در ایران بعد از محاکمه های به شدت ناعادلانه که اغلب با استناد به "اعتراف های" گرفته شده تحت شکنجه های جسمی و روانی صادر شده و به اجرا در می آیند. در ایران ۷۵ درصد اعدام ها مخفیانه صورت گرفته و توسط دولت یا نهاد قضایی اطلاع رسانی نمی شوند. عدم شفافیت در سیستم قضائی رژیم اسلامی مانع از آن است که آمار معتبری از شمار دقیق احکام اعدام ارائه گردد، اما در این تردیدی نیست که با ماشین قتل و اعدامی که رژیم اسلامی به راه انداخته ایران به تناسب سرانه جمعیت و میزان اعدام، رتبه نخست اعدام در دنیا را دارد. رژیم جمهوری اسلامی به رغم پیامدهای اجتماعی و روانی اجرای حکم اعدام در ملاء عام، چندین فقره از اعدام ها را در ملاء عام اجرا کرده است. داعشی های جمهوری اسلامی، همچون طالبان با اعدام زندانیان در برابر چشم تماشاچیان و تهیه و انتشار تصاویر ویدئویی و خبری از آن، آشکارا از حربه اعدام به عنوان وسیله ای برای تبلیغ و ترویج خشونت و انتقام جویی در جامعه و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم استفاده می کنند.

دستگاه های تبلیغاتی رژیم اسلامی فریبکارانه صدور و اجرای احکام مجازات اعدام را به عنوان وسیله ای برای کاستن از میزان ارتکاب جرم و جنایت، ارتقاء امنیت اجتماعی و تأمین عدالت در جامعه تبلیغ می کنند. اما تجربه همه جوامع بشری و تجربه خود ایران و آمارها و اطلاعات قابل اتکا نشان می دهند که در هیچ جامعه ای از طریق مجازات اعدام و قتل سیستماتیک دولتی نمی توان میزان ارتکاب به جرم و جنایت را کاهش داد، بلکه بر عکس نفس اعدام حس انتقامجویی و روانشناسی خشونت را تقویت می کند. واقعیات تاریخی تا کنون نشان داده است که فقط با خشکاندن ریشه های اقتصادی و اجتماعی این نابسامانیها و مصائب اجتماعی می توان با جرم و جنایت مقابله کرد تا حرمت و ارزش های والای انسانی جایگاه واقعی خود را باز یابد.

رژیم جمهوری اسلامی و ایدئولوگ های آن در حالی عوام فریبانه سنگ تلاش برای ارتقاء امنیت اجتماعی را به سینه می زنند که خود جمهوری اسلامی عامل اصلی سلب امنیت است. رژیم جمهوری اسلامی طی بیش از چهار دهه حاکمیت جنایتبار خود هزاران انسان را به خاطر عقایدشان و به خاطر مبارزه برای بهبود شرایط زندگی به قتل رسانده و ماشین جنایت و کشتار و سرکوبش یک روز هم متوقف نشده است. ابعاد اعمال خشونت و کشتارها توسط رژیم اسلامی و خطراتی که در نتیجه مداخله

## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت دهم اکتبر



### نه به اعدام!

با تمام این خشونت ها، ادامه جنبش های اعتراضی سراسری کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان، بازنشستگان و... علیه سیاست های اقتصادی - سیاسی رژیم، علیه فساد، اختلاس، تورم و گرانی و نیز علیه مدیریت جنایت بار پاندمی مرگبار کرونا نشان میدهد که ما وارد دوران جدیدی از جنبش های اجتماعی در ایران شده ایم.

در مقابل، نظام سرمایه داری مذهبی در ایران، پسا خیزش های دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ از سوئی و اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگران و حقوق بگیران ثابت که اعتصابات کارگران پروژه ای صنعت نفت و کارگران نیشکر هفت تپه درخشان ترین نمونه های آنها هستند، از سوی دیگر، با انتصاب رئیسی، این قاضی مرگ و جنایتکار علیه بشریت، شمشیر را از رو بسته و شیوه ارباب بازهم بیشتر را در پیش گرفته و استفاده باز هم بیشتر از قتل دولتی و احکام قرون وسطائی دیگر را در دستور کار خود گذاشته است. در چنین شرایطی تشدید مبارزه علیه حکم شنیع اعدام بیش از پیش باید در دستور کار رزمندگان طبقه کارگر و همه آزادیخواهان و حرکت مداوم به سوی سوسیالیسم قرار گیرد تا عرصه را بیش از پیش بر حکومت سرمایه داری اسلامی تنگ تر کند. ما خواهان لغو فوری مجازات اعدام و ابطال تمام احکام صادر شده در این جهت هستیم. روز ۱۰ اکتبر، روز جهانی علیه اعدام، با صدای بلند برای لغو مجازات اعدام به میدان بیائیم.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!  
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۲۰۲۱/۰۸/۱۰

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



"پس این چه نوع جامعه ای هست که جز جلا د هیچ ابزار دیگری برای دفاع از خود نمی شناسد؟" مارکس - ۱۷ فوریه ۱۸۵۳ در "نیویورک دیلی تریبون"

از زمانیکه مالکیت خصوصی پدید آمد و جامعه به طبقات تقسیم شد، بکارگیری قهر و خشونت سازمان یافته دولتی توسط طبقات حاکم علیه فرودستان روشی معمول و مرسوم بوده است. این سلطه دولتی طبقات حاکم همواره با شکنجه و اعدام عجین بوده است.

اعدام قتل عمد دولتی هست. اقدامی برای حفظ سلطه بورژوازی حاکم بطور کلی است. توجیحات دول مجری حکم اعدام دال بر اینکه این شیوه مجازات در کاهش قتل و خشونت از جانب شهروندان بزهکار و تقویت "امنیت شهروندان" موثر است، توجیه کردن و سر پوش گذاشتن بر این عمل جنایتکارانه است. علاوه بر مخالفان سیاسی که آشکارا برای حفظ سلطه طبقه حاکم به جوخه اعدام سپرده میشوند، زندانیان مرتکب جرائم عادی نیز قربانی نظام های طبقاتی تولیدکننده نابرابری و بی عدالتی اجتماعی هستند.

در عصر ما، نظام سرمایه داری با بازتولید روابط سلطه سرمایه، فقرهر چه فزاینده تر را در یک قطب و سرمایه و ثروت را در قطب دیگر در دست اقلیتی متمرکز می کند. آنوقت در پاسخ به بزهکاری ناشی از این فقر و تنگدستی، حکومت ها افرادی را که قربانی این نظام هستند، زندانی و اعدام می کنند.

با وجود اینکه شمار قابل توجهی از کشورها به الغای مجازات اعدام کمر همت بسته اند که آنهم در نتیجه مبارزات چندین ساله طبقه کارگر و نیروهای آزادیخواه جامعه بوده است، متأسفانه تعداد قربانیان این مجازات غیرانسانی کماکان بالاست. بنا به گزارش «سازمان عفو بین الملل»، ۴۸۳ نفر در سال ۲۰۲۰ در جهان اعدام شده اند. کشورهای چین، ایران، مصر، عراق و عربستان سعودی به ترتیب بیشترین شمار اعدام شدگان را به خود اختصاص داده اند. جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن جمعیت این کشورها، صدرنشین اعدام سرنانه در جهان است. طبق همین گزارش دولتها در ۱۴۰ کشور به شکنجه زندانیان دست میزنند. در این حوزه نیز جمهوری اسلامی جایگاه ننگینی دارد، آمار رسمی نشان می دهد که در سال های اخیر در زندان های ایران، ۷۲ زندانی زیر شکنجه به قتل رسیده اند.

نگاهی به جزئیات اجرای حکم اعدام در جمهوری اسلامی ایران بازهم دریچه های بیشتری را به سوی این دوزخ باز میکند. در گزارش امسال «حقوق بشر ایران»، شمار اعدام شدگان در جمهوری اسلامی ۲۶۷ نفر قید شده است که در میان آنان، ۴ "کودک" دیده می شوند. یک نفر نیز به جرم نوشیدن نوشابه الکلی اعدام شده است. خطر اعدام همچنان زندانیان متعددی را تهدید می کند. بنا به گزارشات رسمی تعداد نه زندان کمی از زندانیان سیاسی در زندان های مختلف از جمله در زندان های اهواز، اصفهان، ارومیه، شهرهای کردستان، زاهدان و مشهد اعدام شده اند.



## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

## به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰



های آنها نیست، بلکه کار و زندگی و معیشت معلمان به عنوان بخشی از طبقه کارگر را هم تحت تأثیر قرار داده است. حقوق معلمان با نرخ تورم و گرانی هیچ خوانائی ندارد و چند مرتبه زیر خط فقر است. در حالیکه خط فقر رسمی بیش از یازده میلیون تومان اعلام شده است معلمان تازه استخدام سه و نیم میلیون بیشتر حقوق نمی گیرند. معلمان نهضت سوادآموزی، پیش دبستانی و حق التدریسی، امنیت شغلی ندارند و با اینکه آموزش و پرورش با کمبود حد اقل ۲۰۰ هزار معلم روبرو است پذیرفته شدگان کارنامه سبز، با تجمعات فراوان هنوز نتوانسته اند به حق خود برسند.

این وضعیت نابسامان کار و معیشت زمینه عینی اعتراضات گسترده معلمان و بازنشستگان طی چند سال گذشته را فراهم کرده است. در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید معلمان در بسیاری از شهرهای ایران در اعتراض به حقوق چند برابر زیر خط فقر و بلا تکلیفی وضعیت استخدامی و دیگر مطالباتشان همچنان به تجمعات اعتراضی خود ادامه می دهند. در این میان از اواسط شهریور دور دیگری از اعتصاب و تحصن شبانه روز معلمان "کارنامه سبز" در مقابل وزارت آموزش و پرورش آغاز گردید که تا کنون ادامه داشته است. در همین حال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران طی بیانیه خود ضمن تأکید دوباره بر مطالبات معلمان تا پایان شهریور به دولت و مجلس فرصت داده تا خواسته های آنان را محقق نماید در غیر این صورت شورای هماهنگی طی فراخوانی برنامه‌های اعتراضی خود را اعلام خواهد نمود و تا تحقق مطالبات به اعتراضات ادامه خواهد داد.

اما به رغم شرایط فلاکت باری که رژیم جمهوری اسلامی به معلمان و اکثریت مردم ایران تحمیل کرده است و به رغم اینکه این رژیم فضای آموزشی را با مذهب، خرافات و افکار پوسیده در هم آمیخته است و در شرایطی که تمایزات شدید طبقاتی، تبعیض جنسیتی و ستمگری های ملی و مذهبی در نظام آموزشی توسط رژیم باز تولید می شوند، با اینحال به پشتوانه جنب و جوش و شور مبارزه برای تغییر و دگرگون کردن اوضاع، افق روشن و امید بخشی در پیش روی جامعه قرار گرفته است. تداوم بی وقفه اعتصابات و مبارزات کارگری و در این میان اعتصاب شکوهمند کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، مبارزات قهرمانانه کارگران هفت تپه، مبارزه پیگیرانه معلمان و ادامه جنبش های اعتراضی و مقاومت و ایستادگی در برابر تهاجم افسار گسیخته رژیم کل فضای سیاسی جامعه را تحت تأثیر قرار داده و امید به تحول رهایی بخش را تقویت کرده است. در پایان حزب کمونیست ایران ضمن تبریک آغاز سال جدید تحصیلی، همه دانش آموزان، دانشجویان و خانواده های آنان را به حمایت بی دریغ و همبستگی با جنبش کارگری و جنبش حق طلبانه معلمان فرا می خواند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

شهریور ۱۴۰۰

سپتامبر ۲۰۲۱

در آستانه سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ قرار گرفته ایم. اگر در سالهای گذشته جدای از میلیون ها کودک کار که در کارگاهها، در کوره پزخانه ها، در مزارع و در خانه ها تن به کار مزدی سپرده تا لقمه نانی برای خانواده و خود تهیه کنند و جدای از دو میلیون کودک خیابان که به دلیل فقر و تنگدستی از چرخه تحصیل خارج شده اند، در آستانه آغاز سال تحصیلی شور و شوق و بی تابی بقیه کودکان، نوجوانان و جوانانی که امکان آن را یافته بودند وارد کلاس درس و مدرسه شوند، جلوه تازه ای به فضای جامعه می بخشید، اکنون دو سال است از چنین شور و هیجانی خبری نیست. زیرا سیاست های ضد انسانی و درماندگی رژیم جمهوری اسلامی در قبال هیولای کرونا و حفظ جان انسان ها همه عرصه های حیات اجتماعی از جمله آموزش و پرورش را نیز بشدت تحت تأثیر قرار داده است. ستاد ملی مبارزه با کرونا و وزارت آموزش و پرورش رژیم اسلامی بدون کمترین توجه به مهیا کردن زیر ساخت های ضروری از قبیل اینترنت رایگان و گوشی های هوشمند برای دانش آموزان و معلمان باز گشایی مدارس را به تعویق انداخته و تصمیم گرفته اند که آموزش به صورت مجازی باشد. این در حالی است که بر اساس آمارها در دوران شیوع کرونا به خاطر نبود امکانات و زیرساخت های ضروری برای معلمان و دانش آموزان و کیفیت پایین اپلیکیشن مربوطه، حدود ۳۰ درصد از دانش آموزان ترک تحصیل کرده اند.

در این میان خانواده های کارگری و کم درآمد تنها با هیولای کرونا و تأثیرات وخامت بار آن بر آموزش فرزندانشان روبرو نیستند، بلکه هیولای بیکاری، هیولای فقر و گرانی هولناک تر از کرونا بر زندگی و هستی آنها چنگ انداخته است. بیش از ۹۰ درصد از کارگران ایران با قراردادهای موقت و سفید امضا کار می کنند و هر روزه در معرض خطر موج بیکارسازی ها قرار دارند. در حالی که کارگران بر طبق مصوبه شورای عالی کار رژیم مبلغی حدود دو تا چهار میلیون تومان در ماه دستمزد دریافت می کنند، هزینه سبد معیشت هر خانوار به طور رسمی بیش از ۱۱ میلیون تومان اعلام شده است. نرخ هر دلار از حدود ۴ هزار تومان در سال ۹۶ به بالای ۲۷ هزار تومان در شرایط کنونی افزایش پیدا کرده است. سیر سقوط ارزش ریال، تورم افسار گسیخته، افزایش ۶۰ درصدی بهای کالاهای مورد نیاز روزانه خانواده ها را در پی داشته است. در این شرایط چند برابر شدن قیمت نوشت افزار، هزینه دسترسی به اینترنت و دیگر نیازمندی های دانش آموزان به یکی دیگر از دغدغه های خانواده ها ی کم درآمد تبدیل شده است. در این اوضاع فلاکتبار اقتصادی با باز شدن مدارس تأمین هزینه تهیه ماسک و مواد ضد عفونی کننده هم بر دوش این خانواده ها سنگینی خواهد کرد. بی جهت نیست که شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران طی بیانیه ای که به مناسبت آغاز سال تحصیلی منتشر کرده، اعلام کرده «در هر مقطعی از سال، اگر قرار بر بازگشایی مدارس باشد باید تمام معلمان و دانش آموزان بالای ۱۲ سال واکسینه شوند، بازگشایی مدارس بدون توجه به تزریق واکسن مورد تایید سازمان بهداشت جهانی، واگذاری هر میز و نیمکت تنها برای یک دانش آموز، تأمین و توزیع روزانه ماسک و مواد ضد عفونی کننده برای دانش آموزان و معلمان، منتهی به فاجعه می گردد.»

اما پیامد فقر و فلاکت اقتصادی فقط دامنگیر دانش آموزان و خانواده

## مروری بر مبارزات طبقاتی درخشان جنبش کارگری در هفت تپه



بخش ویژه‌ای است که در جهان امروز به صورت پیاپی اما مجزا به بازتاب مبارزات کارگری و بررسی فرازهایی از جنبش کارگری می‌پردازد. در این شماره بخش چهاردهم را ملاحظه میکنید.

خصوص قول داده‌اند تا ۱۵ مهرماه؛ حقوق و اضافه کاری تیرماه و مردادماه کارگران پرداخت می‌شود.

مجلسیان باردیگر سرپاسدار شریعتی، رشوه خوار و دشمن شماره یک کارگران استاندار خوزستان را مسئولیت دادند که دستکم بر سه هزار هکتار کشت به عنوان خط قرمز سرمایه‌داران را نظارت کند.

مانند همیشگی وعده‌های فریب‌کارانه حکومت پیرامون پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و حقوق تیر و مرداد انجام نگرفت!

این جلسه سران حکومتی در روز نود و پنجمین روز اعتصاب که اکنون در محل کار ادامه داشت، بی آنکه نامی از اسد بیگی‌ها و مهرداد رستمی برده شود، تنها با اعلام فسخ قرار ... متولیان فعلی (که) تنها توان اهلیت ادامه اداره و مدیریت شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه را ندارند بسنده کردند. حکومت اسلامی در تلاش بود تا به بهانه‌ی اهلیت نداشتن اسدبیگی‌ها در رقابت باندها، گزینه‌های خود را به اسدبیگی‌ها بنشانند.

اعلام کردند: «همچنین که از آنجا که مطابق نظر مسئولان حاضر در جلسه اعم از نمایندگان سازمان دیوان محاسبات، سازمان خصوصی‌سازی، وزارت اقتصاد، وزارت اطلاعات و... متولیان فعلی اهلیت ادامه تصدی و مدیریت شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه را ندارند. از همین روی وعده دادند که:

تا یک و نیم ماه آینده قرارداد شرکت با آنها فسخ و مدیریت جدید جایگزین شود.»  
وعده تمدید دفترچه بیمه تامین اجتماعی کارگران تا آخر سال داده شد.

### دستاوردهای این آزمون تاریخی

اعتصاب در نود و پنجمین روز خود، از خیابان به محل کار انتقال یافت اعتصاب پایان نیافت، بلکه به اشکال دیگر در کارخانه ادامه یافت. این اعتصاب، یکی از درخشانترین و طولانی‌ترین اعتصاب‌های کارگری را نه تنها در این ۴۲ ساله‌ی حاکمیت جمهوری اسلامی، بلکه در کل تاریخ ایران را به نام خود ثبت کرد.

محیط کار به شیوه‌های ایستاده، کم کاری، سخنرانی و همایش ادامه یافت. اسماعیل بخشی در اینستاگرام خود نوشت کارگران فصلی محرومترین و زیرستم ترین بخش‌ها کارگری هستند و باید از آنان پشتیبانی کرد.

چهارشنبه ۹ مهر ۱۳۹۹ / ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰ اعلام فسخ قرارداد با بخش خصوصی فاسد و اختلاسگر!

خبرگزاری‌های حکومتی این خبر را منتشر کردند...

<https://t.me/kargaranevtape/۱۱۶۳?tape=HYPERLINK-۱>

چهارشنبه ۹ مهر ۱۳۹۹ / ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰

### فسخ قرارداد با بخش خصوصی فاسد و اختلاسگر!

خبرگزاری‌های حکومتی اعلام کردند که عصر روز چهارشنبه نهم مهر ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰ ماه «نشست بررسی مشکلات کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه با حضور علی نیکزاد نایب رئیس مجلس، علی خضریان نماینده تهران و سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، سید نظام‌الدین موسوی نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، سید علی موسوی نماینده ملکان و عضو کمیسیون صنایع مجلس، رئیس سازمان خصوصی‌سازی، نمایندگانی از وزارت کار و اقتصاد، همچنین نماینده استاندار خوزستان و جمعی از کارگران هفت تپه در مجلس شورای اسلامی برگزار شد.»

علی نیکزاد نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرنگار ایسنا، اعلام کرد: «تاکنون نزدیک به ۸ جلسه با هدف پیگیری حق و حقوق کارگران هفت تپه برگزار کرده‌ایم، اما جلسه امروز چند مصوبه داشت. نخست آنکه تا نیمه آبان ماه حداقل ۳ هزار هکتار نیشکر کشت شود چراکه اگر کشت صورت نگیرد ادامه حیات کارخانه متفی می‌شود بنابراین خط قرمز مجلس در رابطه با فعالیت‌های شرکت هفت تپه انجام این ۳ هزار هکتار کشت است. البته تبعات عدم انجام این مهم با شخص آقای استاندار است چراکه چندین جلسه در این

در بخش پیشین نوشتیم که علیرغم تلاش‌های اعتصاب‌شکنانه‌ی ایلنا، ارگان تبلیغی و سرمایه داری و حکومت اسلامی و مرکز خبرگزاری خانه کارگر و مرکز شوراهای اسلامی کار، و نیز اعلام تعلیق اعتصاب در روز هفتم از سوی افرادی غیرمسئول و فرصت طلبانه‌ی که در حساس‌ترین شرایط اعتصاب و همایش و رویارویی با نمایندگان مجلس اسلامی، از روز هفتم به بعد اعتصاب و همایش در برابر فرمانداری شوش ادامه یافت. اخلال و اعلام تعلیق به ویژه در ادامه اعتصاب تأثیر گذار بود. روز هفتم که نماینده‌های مجلس به شوش آمدند و وعده وعید دادند، تمام رسانه‌های ضد کارگری و نیز نمایندگان مجلس و ... سرخود و به دروغ اعلام کردند اعتصاب تمام شده است.

### روز هفتم و اعتصاب خیابانی

نمایندگان مجلس در روز هفتم اعتصاب به شوش آمدند و در میان اعتصابگران در مقابل فرمانداری از کارگران هفت تپه، پانزده روز مهلت خواستند و تعلیق اعتصاب را درخواست کردند و وعده دادند که آنها خصوصی‌سازی را لغو می‌کنند. مجمع نمایندگان کارگران با حضور کارگران اعتصابی تعلیق و لغو اعتصاب را یک اخلال و اعتصاب شکنی نامیدند.

روز دوشنبه - ۱۰ شهریور ۱۳۹۹ جمعی از کارگران در هفت تپه، کانال مستقل اعلام کردند:

«قابل ذکر است که برای تعلیق اعتصاب یا تصمیم برای محل تجمعات باید نظر و خرد و تصمیم جمعی وجود داشته باشد و نه تصمیم یک یا دو نفر مشخص. تعلیق یا اتمام اعتصاب با نظر کارگران است و نه با اعلام سرخود بلندگوهای تبلیغاتی که در خدمت اسد بیگی و همه کارفرماها هستند. نمایندگان کارگری ما هم بارها اعلام کرده‌اند که نظر خودشان را درباره ادامه اعتصاب تحمیل نمیکنند و هر چه نظر جمع کارگران باشد مورد قبول آنها هم هست.

روز ۹۰ اعتصاب، تا هفته اول مهر ۱۳۹۹ با همایش خیابانی در برابر فرمانداری پایان یافت، اما، با پشتیبانی از کارگران فصلی و خواست‌های طبقاتی آنان، اعتصاب را در کارخانه و

کارگران برای نخستین بار به جمع‌بندی این آزمون پرداختن و به گونه‌ای فشرده اطلاعاتی عمومی شماره یک را به مردم ایران صادر کردند: از کارگران هفت تپه به مردم ایران، رونوشت به تمام رسانه‌ها:

کارگران - مزدبگیران - معلمان - پرستاران دانشجویان - بازنشستگان و عموم مردم شریف ایران

مستحضرید که بعد از سال ۹۷ که اعتراضات با شکوه ما با دستگیری و شکنجه و اعتراف اجباری علیه همکاران ما ادامه پیدا کرد ما در سال بعدش در ۹۸ و ۹۹ نیز چند ماه در اعتصاب بودیم. خواسته ما لغو خصوصی سازی و واگذاری شرکت به کارگران و یا بازگشت شرکت به بخش عمومی - دولتی با نظارت کامل شورای مستقل کارگری است.

شاهد بوده اید که نمایندگان مجلس و رئیس قوه قضائیه و بسیاری مسئولین وعده ها دادند که حق کارگران هفت تپه ضایع نخواهد شد ولی همه قوا با همکاری حسن روحانی و معاون اولش و وزرایش تا کنون فقط و فقط به نفع کارفرمای اختلاسگر هفت تپه عمل کرده اند. کارفرمایی که با اعتبار شرکت ما، دو میلیارد دلار (برابر دستمزد سه نسل نج هزار کارگر)، اختلاس کرده اما آزاد است ولی برای ده ها کارگر هفت تپه همین چند هفته قبل پرونده امنیتی درست کردند.

دادستان کل کشور، منتظری و معاون رئیس قوه قضائیه یعنی الفت کمال همکاری را با اختلاسگران می‌کنند و حتی دادگاه اختلاس را متوقف کردند. دادگاهی هم که برای بررسی خلع ید از بخش خصوصی قرار است تشکیل شود لابد با رشوه های اسدیگی اختلاسگر و با اعمال نفوذ منتظری و الفت به نفع غارتگران بخش خصوصی رای خواهد داد. فرزندان منتظری دادستان کل کشور و برادر جهانگیری از شرکای اختلاس های اسدیگی کارفرمای بخش خصوصی هستند.

قالیباف و نیکزاد و هیات رئیسه مجلس از وزیر اقتصاد روحانی حمایت میکنند و حتی اجازه نمایش استیضاح را نمیدهند ولی از طرفی می خواهند ادعا کنند دنبال عدالت هستند! ملاحظه میکنید که هر سه قوا با تمام قوا از اختلاسگران حمایت می کنند. مخاطبان عزیز!

مبلغ اختلاس اسدیگی کارفرمای هفت تپه با همدستی لیستی از بیش از چهل مدیر ارشد و مسئول حکومتی، برای ایجاد بالغ بر یک میلیون شغل کفایت میکند اما حقوق کمتر از پنج هزار کارگر هفت تپه باید هر بار با جنگ پرداخت شود. تازه اعلام میکنند مازاد نیرو دارند در حالی که هفت تپه ظرفیت اشتغال هفت هزار کارگر را دارد.

### هم سرنوشتان عزیز؛

میدانید که جناح قالیباف-رئیس و سایر اصولگرایان قصد دارند چهره ای به اصطلاح رئوف و عدالت محور از خود نشان بدهند که برای انتخابات ریاست جمهوری خودشان را بهتر و با "صلاحیت" تر از روحانی و سایر اصلاح طلبان نشان دهند در حالی که در ضد کارگری بودن یکی هستند. برای کسانی که مستقیماً تجربه نکرده اند از تجارب خودمان میگوئیم: در این چند سال همه مسئولان و جناح ها، به طور مشترک در سرکوب مطالبات هفت تپه و تلاش برای خفه کردن صدای اعتراض ما شریک بوده اند و هیچ جناحی و مسئولی کوچکترین کمکی حتی به صورت نمایشی به کارگران هفت تپه نکرده است.

ما اعلام میکنیم که شاید کمتر جایی در مملکت باشد که مثل هفت تپه هر روز و هر هفته یک مسئول درباره اش سخنرانی نکرده باشد زیرا ما همیشه در حال حق خواهی و اعتراض بوده ایم و برای همین مستقیماً به چشم خود دیده ایم که هیچ کدام از این مسئولین و جناح ها چه اصلاح طلب و چه اصولگرا یا میانه یا... نه تنها با کارگران و مردم همراه نیستند بلکه هر کدام سهم خود از رشوه و فساد و میکیدن خون ما را طلب میکنند.

ما اعلام میکنیم که دو آزمون و دو پرونده مهم هفت تپه یکی دادگاه اختلاس نجومی ارز و دیگری دادگاه برای تصمیم گرفتن درباره خلع ید کارفرمای فاسد هفت تپه، نشانه مشخصی است که ثابت میکند جناح اصولگرا هم عیناً مثل روحانی-جهانگیری است. در مورد انتخابات هم باید ایندفعه قوی تر و متحدانه تر اعلام موضع کنیم. مخاطبان عزیز که همیشه با ما همدل بوده اید!

مسئولین مختلف در سرکوب مطالبات برحق کارگران هفت تپه خودشان را به طور کامل نشان داده اند. الان هم دادگاه مربوط به خلع ید کاملاً بی سر و صدا و قطعاً تحت نفوذ

منتظری در حال نقشه کشیدن علیه ماست. هر روز تکلیف تعداد بیشتری از همکاران ما با هر دو جناح روشن تر میشود! با توجه به اینکه اوضاع برای ما و شما به بدترین شکل رسیده است، ما تصمیماتی داریم و به اقدامات اعتراضی فکر کرده ایم که به تدریج با شما در میان خواهیم گذاشت. به نظر ما ضروری است که همه ما در هر کجای کشور که هستیم درباره سرنوشت مشترک مان و برای کسب مطالبات اجتماعی و سیاسی و طبقاتی و اقتصادی و برحق خودمان، اشتراک نظر و اقدام سراسری و متحدانه کنیم. ما به زودی درباره این اقدامات سراسری که در برنامه داریم رو به عموم اطلاعیه خواهیم داد و از شما می‌خواهیم که با ما همراهی کنید.

### جمعی از کارگران هفت تپه

یکشنبه - ۱۲ بهمن ۱۳۹۹

### #اطلاعیه عمومی شماره یک به مردم

#### ایران: از کارگران هفت تپه

- کارگران در عمل بیش از پیش ماهیت و معنای حکومت را دریافتند. دریافتند که حکومت با تمامی ارگان‌هایش، مجلس، قوه قضائیه، دولت، نیروهای سرکوب و انتظامی، رسانه‌های حکومتی، شورای اسلامی، استانداری، دادستانی، قانون کار و ... را نماینده و ابزار فرمانروایی طبقه سرمایه دار می‌باشند.
- در این اعتصاب به جای تجربه سال ۹۷ به جای تنها یک اسماعیل بخشی، دهها نماینده شجاع و آگاه را در کنار بخشی داشتند. بخشی‌ها در آموزشگاه اعتصاب تکثیر شده و بر سکوی اعتصاب‌ها سخن می‌راندند.
- کارگران به نیروی اتحاد و شورایی خود پی برد و با اعتماد به نفس و شجاعانه در برابر بالاترین مقاوم قضایی حکومتی ایستادند، و از حق خود دفاع کردند، شورای اسلامی کار را منحل اعلام کردند.
- نقد شعار «اعدام باید گردد» یکی از مهمترین دستاور کارگران در این اعتصاب بود. کارگران اعدام را قتل عمد دولتی اعلام کردند.
- کارگران در سایت مستقل کارگری، کشتار کوله‌بران در کردستان که به دست تک تیراندازان حکومتی به قتل می‌رسند را محکوم شمردند و کوله بران را همه طبقه‌ای خود نامیدند و از حقوق و امنیت آنان پشتیبانی کردند.
- اعلام کردند که با هیچ ارگان حکومتی سرسازش ندارند.
- کارگران با خرد و تصمیم جمعی، با بیش از دوهزار امضاء به انحلال شورای اسلامی کار، رای دادند.



در کشاکش مرگ از گرسنگی، پنجه‌های مرگ آور ویروس تاجدار (کرونا) و دمای سوزان افزون بر ۵۰ درجه سانتیگراد خوزستان، در تشنگی و محاصره سپاه سرکوب، از بام تا شام فریاد زنان ایستاده‌اند. کارگران، در این روزهای دست به گریبان مرگ و بی‌وقفه، در حال کشف و خنثی‌سازی نقشه‌های حکومت اسلامی در یکسو و در سوی دیگر پیشروی به سوی سنگرهای پیشاروی هستند. اینک پیشتازان طبقه در سنگر هفت تپه، سنگرهای دیگر مبارزه طبقاتی در سراسر ایران پیوند می‌یابند.

• در اعتصاب ۹۵ روزه در هفته تپه کارگران بار دیگر آزمون درخشانی را در تاریخ مبارزاتی این طبقه به یادگار گذاردند.

• کارگران با طرح خواست تعاونی خودمدیریتی، به صورت دستجمعی مالک مشترک مجتمع می‌شدند و به مالکیت خصوصی و به توهم دولتی کردن پایان می‌دادند. تاکتیک «تعاونی خودگردان» در شرایط ایران، می‌تواند پیش شرط کنترل کارگری باشد و در گرو استراتژی «تعاونی‌های خودگردان سراسری» شورآفرینانه زمانی ضمانت پیروزی می‌یابد که قدرت اجرایی داشته باشد و به سوی افق لغو مناسبات استثمار و تحقق برابری فراروید.

• کارگران با یکصدایی با خواست لغو مالکیت خصوصی در هفته تپه و اراک و اهواز و کارگران گروه تولیدی و صنعتی هفت تپه، در این برهه، به این آگاهی دست یافته بودند که با این شعار، دولت در بن بست قرار می‌گیرد. حکومت سرمایه‌داران با نپذیرفتن خواست دولتی کردن به ناچار ماهیت و نقش خود را به عنوان ابزار فرمانروایی طبقه نشان داد.

• در پی ۹۵ روز اعتصاب با شکوه، تلاش نیمه دولتی کردن و نیمه خصوصی سازی گزینه‌ی سپاه و قوه‌ی قضاییه با نفی قاطعانه کارگران در خیابان‌های هفت تپه، نقش بر آب شد.

«شستا» یا «شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی» که هلدینگ است در بردارنده‌ی بیش از ۱۷۰ شرکت و بنگاه مالی، بازرگانی و تولیدی و دلالتی... که عناصری همانند سعید مرتضوی، بر آن ریاست داشت به تباهی و ورشکستگی نشانیده شده، با بدهکاری و سرقت میلیاردها دلار، آینه تمام نمای فساد نهادینه‌ای است و آلترناتیو شراکت دولتی است که برای بلع هفت تپه دهان گشوده است. نبی‌الله موسوی‌فرد، امام جمعه و نماینده خامنه‌ای در اهواز، پس از طرح واگذاری شرکت به سپاه، با واکنش قاطع کارگران و ناچار به فرار شد. سه نماینده مجلس اسلامی اعزامی از تهران، تنها نیم‌ساعت توان تحمل هوای آتش‌بیز شوش شدند و به کف خیابان افتادند و کارگران با آب

در هفت تپه و پایان دادن به پرونده خصوصی سازی‌ها و پایان دادن به امنیتی کردن کارخانه و محیط کار پای فشردند و به خواست سراسری تبدیل کردند.

• نقاب از چهره‌های امام جمعه، طلاب و دانشجویان بسیجی، نفوذی‌ها و عوامل اطلاعاتی و جاسوسان را برداشتند و آنانرا از صفوف خود راندند.

• دفتر چه های بیمه ما را تمدید کنند و سه ماه دستمزدهای پرداخت نشده را دریافت کردند.

• به بازگشت به کار همکاران اخراجی و وفاداری به آنها پای فشردند.

• کارگران با اعلام ضرورت مدیریت کارگری و شورا، و مجمع نمایندگان دریافتند که سندیکای بی‌خاصیت و روی کاغذ که تنها در بهترین حالت برای چانه زنی پیرامون چند خواست روزمره به کار می‌آید، به ارگانی دارای ضریب‌های امنیتی بالا و در ضمن با تلفیق راه کارهای علنی، حاضر در میدان اعتصاب و اعتراض‌ها، سازمانده، مبلغ نیاز دارند.

• در این دوره، کانال مستقل کارگران هفت تپه، ساختار یافت. کارگران به ارگانی ضروری که پاسخگوی نیازهای این دوره از مطالبات خود باشد، نیاز داشتند که شبیه کمیسیون کارگری و مجمع عمومی کارگران عمل کرد.

• کارگران در هفته تپه در اعتصاب های خود نشان دادند که پیشتازان جنبش کارگری ایران هستند اعتصاب ۹۵ روزه‌ای که از ۲۵ خردادماه ۱۳۹۹ اعلام شد و ادامه یافت در ۴۲ سال حاکمیت جمهوری اسلامی بی‌همانند بود.

• در این اعتصاب بود که کارگران در هفته تپه بودند که اعلام کردند:

«همه جا هفت تپه! خوزستان، اراک، فارس، اصفهان، بوشهر، کنگان، عسلویه و...»

• در سال ۱۳۹۷ کارگران در هفته تپه، هیپکو و آذرباب در اراک و فولاد اهواز و... همه جا پرخروش، برخاستند. و نشان دادند که لشکر استعمار شوندگان و ناجیان ستمکشان، از کارخانه به خیابان‌ها جاری می‌شوند. به بیان کارگران هفت تپه «سیل جاری می‌شود، در آنجا که شعار «مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!» در سپهر مبارزات طبقاتی ظنین افکن می‌شود. زمان خروش کارگران؛ بردگان، اسیران و مزدبگیران دستمزد پرداخت نشده علیه زالوسیرتان سرمایه‌دار که جان و نان کارگران را به گروگان گرفته‌اند بر سکوه‌های مبارزاتی هفت تپه و هیپکو و اراک و عسلویه و ماه‌شهر ووو نوید داده شد.

• کارگران هفت تپه، همه روزه در یک سوی

• کارگران با تصمیم و خرد جمعی، اعتصاب در کارخانه را به درستی انتخاب کردند و دام‌ها و دسیسه‌های عوامل کارفرما و اطلاعاتی‌ها را نقش بر آب کردند و لحظه‌ی مناسب را برای حضور خیابانی پس از دو هفته را به درستی انتخاب کردند.

• کارگران با فرموله کردن مطالبات اقتصادی و سیاسی خود، بر خواست‌های خود پای فشردند.

• طرح تعاونی خودگردان یکی از خواست‌های درخشان و آگاهانه و پیشرو کارگران در این دوره بود که متأسفانه از سوی نیروهای پشتیبان طبقه کارگر و نیز بخشی مهمی از کارگران هفت تپه درست فهمیده و پشتیبانی نشد.

• طرح دولتی کردن با مدیریت کارگری نیز همانند طرح تعاونی خودگردان، طرح‌های دوران گذاری بوده و هستند که پافشاری به آن‌ها از سوی کارگران در هفته تپه، می‌تواند به خواست سراسری طبقه کارگر تبدیل شوند.

• همبستگی با کارگران اعتصابی در اراک و کنگان و ماه شهر و دیگر مراکز کارگری و اعتصابی همبستگی با تپه‌ی دستان روستایی نمونه روستای ابونخلیات، انتشار نام زنان زندانی در زندانهای اهواز... نمونه‌های برجسته‌ای از تجربیات اعتصاب ۹۹ را در تاریخ به یادگار گذاشت.

• ارائه و انتشار ۲۷ نام و مشخصات به رگبار بسته شدگان نیزارهای جراحی به افکار عمومی، در برابر غلامرضا شریعتی (استاندار خوزستان) که منکر کشتار دستجمعی زحمتکشان در نیزارهای جراحی شده بود و درخواست کرده بود که اسامی کشته شدگان را اگر که واقعیت دارد به او بدهند! دروغ‌های سرکوبگران را افشا کردند.

• اعتصاب زد و بندهای امیداسدبگی و پاسدار غلامرضا شریعتی استاندار خوزستان و همسرا و مجتبی شهیدزاده رئیس صندوق توسعه ملی، مدیر شعب استان تهران بانک کشاورزی و بانک مرکزی و... برا بیش از پیش فاش کرد.

• ماهیت مجلس، رئیس آن قالیباف، و نمایندگان و دانشجویان بسیج. طلاب و امام جمعه و دادستانی‌ها و نیروهای سرکوب از جمله سپاه، و سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات و ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه حکومتی و تمامی جناح‌های حکومتی را در برابر خود داشت.

• کارگران به نیروی اتحاد و هشیاری خود به سندهایی دست یافت که اسدبگی‌ها و پشتیبانان و همدستان سارق آنها را به اعتراف، تسلیم و شکست واداشتند.

• به خلع ید از اسد بیگی و دزدانی مانند او



اسدبیگی-رستمی در پرونده اختلاس

راهپیمایی در شهر  
ششمین روز اعتصاب کارگران هفت  
تپه=یکشنبه - ۱۱ مهر ۱۴۰۰  
تجمع مقابل فرمانداری و سپس راهپیمایی  
داخل شهر شوش  
اهم مطالبات کارگران اعتصابی:  
-تعیین تکلیف فوری مدیریت شرکت و شفاف  
سازی نحوه و قیمت واگذاری شرکت به  
دولت-بانک

-پرداخت فوری حقوق های معوقه و سایر  
مطالبات عرفی و قانونی  
-تسریع در انجام عملیات کشت و اُرهال-  
تعمیر کارخانه  
-بازگشت به کار اخراجی های مطالبه گر  
-تمدید قرارداد فصلی ها  
-اعلام و اجرای حکم صادر شده علیه

سرد و تیمار، نجاتشان دادند. نمایندگان  
باندها برای لاپوشانی نقش سیاسی و  
مناسبات سرمایه‌داری، مطرح کردند که ما در  
باره‌ی تاثیرات «نئولیبرالیسم در تئوری خوانده  
بودیم، اما اینک نقش آنرا در عمل می‌بینیم!»  
کارگران با پافشاری بر خواست‌هایشان، آنان را  
به پادگان مجلس روانه ساختند. این نمایندگان  
پیک بالایی‌ها بودند تا پایینی‌ها را به سازش  
بکشانند که رسوایی و طرد نصیب آنان شد.  
اینک در این بحران تاریخی، که علم و دانش  
آگاهی در برابر ایدئولوژی و سیاست حاکم قرار  
گرفته، در اینجا که کارفرما و قدرت‌اش نیز در  
هم ریخته و در حال زانو زدن است، در اینجا  
که بحران کرونا بر گلوی کارگزاران سرمایه نیز،  
پنجه افکنده، در اینجا جامعه کارگری و تهی  
دستان نزدیک به هفتاد میلیونی در برابر گزینه  
مرگ و زندگی قرار گرفته اند، وظیفه نیورهای  
صداستثمار و ضد سرمایه‌داری چیست؟ باید که  
بیش از همیشه به سازماندهی حضور مادی و  
عینی در این برآمد طبقانی و سراسری پردازند.  
اینک همبستگی بین‌المللی در برابر ملت‌پرستی  
و ناسیونالیسم و عوامفریبی و اصلاح‌طلبی،  
شناخت در برابر ناآگاهی و استعمار شوند  
در برابر استثمارگران به پا می‌خیزد. جهان در  
حال سوختن است و در ایران، سارقین را باید  
که مجال بست، باید سازمان یافت، باید جبهه  
کارگران برای عمل مستقیم، یعنی اقدام برای  
گسستن زنجیر بردگی را فراخواند.  
هنوز پس از گذشت یکسال که از اعلام خلع  
ید می‌گذرد، کارگران پاسخ نگرفته اند. تا  
کنون دستکم سه اعتصاب بیش از ۴۰ روزه  
و اینک در سومین دور اعتصاب همگانی  
کارگران هفت تپه و اعتراض های خیابانی در  
شوش، برای روز هفتم (۱۲ مهر ماه ۱۴۰۰)  
همچنان برای دستیابی به خواست‌های خود  
فریاد می‌زنند.  
خواسته‌های این برهه نیز کم و بیش همانند  
گذشته اند:



کومه له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

www.komalah.org



حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت های

حزب کمونیست ایران و  
کومه له دیدن کنید!